

## درس یکم:

## « مبانی علوم و فنون ادبی (۱) »

❖ **متن چیست؟** هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد متن است.

حال می توان: (متن نوشته، صدا، بو، مزه و ...) باشد. اما منظور ما در ادبیات آثار شعر و نثر فارسی است.

سه دیدگاه بررسی متن از دیدگاه زبان، ادبیات و فکر

۱-زبانی ۲-ادبی ۳-فکری

❖ **قلمرو زبانی:** خود دارای ۲ سطح: (۱) سطح واژگانی: بررسی لغت از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن،

کاربرد واژه های کهن، روابط معنایی، ساختمان واژه است

(۲) سطح دستوری یا نحوی: بررسی متن از نظر «ترکیبات و قواعد دستوری»، کاربرد دستور تاریخی، کوتاهی و بلندی جمله ها

❖ **قلمرو ادبی:** به بررسی متن از (نظر وزن و قافیه و ردیف)، (آرایه های ادبی) می پردازد.

❖ **قلمرو فکری:** بررسی اثر از نظر ویژگی های فکری، باورها، گرایشات، نوع نگرش نویسنده است

**متن به دو بخش تقسیم می شود:** الف) شعر ب) نثر

❖ کالبد شکافی چیست؟ بررسی پیکر و کالبد شعر و شناخت عناصر آن است.

❖ **مراحل و گام های کالبد شکافی در شعر**

۱. خوانش: نشانه گذاری واژه ها یا جمله های ویژه برای استخراج نکات مهمتر
۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی: ۱-وجود لغات فارسی و بیگانه ۲-ساختمان واژه ۳-کاربردهای تاریخی دستور ۴-سادگی و کوتاهی جملات.
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی: ۱-توجه به قالب و قافیه ۲-توجه به آرایه های ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری: ۱-توجه به محتوای متن ۲-توجه به مفاهیم ذهنی و عینی
۵. نتیجه گیری و تعیین نوع ادبیات مثال: تعلیمی، عرفانی، فلسفی، تاریخی و ...
۶. پرسش های چهار گزینه ای درس ۱

## درس دوم:

## «سازه ها و عوامل تأثیر گذار شعر فارسی»

- شعر و موسیقی برای برانگیختن حس و حال عاطفی است.
- اساسی ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است.
- شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می گیرد. واژگانی را بر می گزیند که با قرار گرفتن در کنار هم آهنگ خاصی بوجود آید.
- وزن و آهنگ به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می نماید.
- پس از عاطفه مهمترین و موثرترین عامل وزن است.
- علت بیشتر خواندن شعر نسبت به نثر شوق به زمزمه و آواز خوانی است.
- وزن در شعر جنبه تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.
- وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می شود.
- وسیله ادراک وزن، حواس ماست.
- توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می شود.

## ↩ پرسش های چهار گزینه ای درس ۲

## درس سوم:

## «واج آرایی (نغمه حروف)، واژه آرایی (تکرار)»

## واج آرایی:

واج آرایی تکرار یک یا چند واج صامت با مصوت در شعر یا در نثر است که در کلمه های یک مصراع یا بیت به گونه ای که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیافزاید. اگر واج آرایی در مصوت «ب» باشد به آن تتابع اضافات گویند. موسیقی برخاسته از واج آرایی صامت ها از مصوت ها گوش نوازتر است.

## ابیات نمونه:

رشته ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود (واج آرایی در صامت «س»)

خیزید و خز آید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است (واج آرایی در صامت «خ» و «ز»)

خواب نوشین بامداد رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل (واج آرایی در مصوت «ب»)

خیال خام تو با خود به خاک خواهیم برد/ که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز (واج آرایی در صامت «خ»)

**واژه آرایی (تکرار):** تکرار دویاچند بار یک واژه؛ بطوریکه بر تاثیر آهنگین بیت افزوده کند.

مثال: پس هستی من ز هستی اوست / تاهستم وهست، دارمش دوست.

## ← پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۲

### درس چهارم:

#### «تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری»

زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه زبان امروزی است «پارسی» یا «فارسی» است. در ایران پیش از اسلام آثار فرهنگی- ادبی قرن‌ها سینه به سینه حفظ می شد، مانند کتاب «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی از حفظ می خواندند تا این که در دوره ساسانی به نگارش درآمد.

❖ **گروه زبان‌های ایرانی چیست؟** زبان‌هایی که در ایران و مناطق همجوار از قدیم‌ترین روزگاران متداول بوده است و ویژگی‌های مشترکی دارند.

#### انواع زبان‌های ایرانی از نظر تاریخی

- ۱- **فارسی باستان:** مربوط به هخامنشیان بوده و شامل فرمان‌ها و نامه‌های شاهان است که به خط میخی نوشته شده است.
  - ۲- **فارسی میانه:** این زبان به دو گروه (پارتی و پهلوی) تقسیم می شود. زبان پارتی در دوره اشکانیان تا اوایل دوره ساسانی متداول بوده و آثاری به جا مانده است و در شمال و شمال شرقی ایران کاربرد داشته است.
  - فارسی پهلوی: زبان رسمی دوره ساسانی است و اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته است. (مابین فارسی باستان و فارسی نو) قرار گرفته که به آن میانه گویند.
  - آثاری که به زبان پهلوی تالیف شده، بیشتر آثار دینی زرتشتی است.
- بعضی از آثار به زبان پهلوی عبارتند از:

۱. یادگار زریران «دینی» ← پارتی
  ۲. کلیه و دمنه و هزار و یک شب «آثار ادبی» ← پهلوی
  ۳. درخت آسوریک ← منظومه‌ی پارتی
  - ۳- فارسی نو: پس از ورود اسلام به ایران زبان فارسی با بهره‌گیری از الفبای خط عربی به مرحله جدید «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می شود
- فارسی دری هم زمان با نخستین دولت اسلامی «طاهریان» بوده است.

دری، نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر نفوذ عناصر عربی بود.

**دری:** زبان درباری ساسانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بوده است.

### «وضعیت نظم و نثر قرن سوم»

په چه سببی فارسی دری زبان رسمی ایران شد؟ با روی کار آمدن یعقوب لیث صفاری و عدم آشنایی او با زبان عربی اجازه ورود زبان عربی به حکومتش را نداد و به زبانی که سخن می گفت (فارسی دری) را زبان رسمی اعلام کرد و حکومت‌های بعد از او مانند سامانیان و آل بویه هم به عنوان زبان رسمی از فارسی دری استفاده می کردند.

### وضعیت نظم و نثر در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

این دوره مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی است که به شکوفایی نظم و نثر می انجامد. در آغاز این دوره سامانیان روی کار آمدند و رسم‌ها و سنت‌های فرهنگی کهن ایران را رواج دادند. بخارا عهده‌ترین مرکز فرهنگی است و دانشمندان آثار ارزنده به پارسی و عربی پدید می آورند. بعد از شکست سامانیان به دست غزنویان غزنویان هم برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند زبان فارسی را رواج دهند و شاعرانی مانند (عنصری، فرخی و منوچهری) به وجود آمد.

در مجموع قرن چهارم هجری دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. قرن و دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود و دانشمندی مانند زکریای رازی و بوعلی سینا مربوط به این دوره‌اند.

امرای سامانی با تاکید بر ضرورت تالیف به زبان فارسی دری و گردآوری تاریخ و روایات گذشته ایرانی در برابر خلافت بغداد به هویتی مستقل دست پیدا می کند و پس از گذشت چند سده و رواج و نفوذ معارف اسلامی و متون دینی، آمیختگی زبان فارسی دری با زبان عربی افزایش می یابد.

### شعر این دوره

ویژگی شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم سادگی فکر و روانی کلام است. شاعر فکر و خیال خود را همان گونه که به خاطرش می رسد بیان می کند. آوردن ترکیبات تازه، استعاره‌های دلپذیر و تشبیهات گوناگون و به کارگیری انواع توصیف از خصیصه‌های این دوره است.

### پدر شعر فارسی

شعر فارسی در این دوره به دست رودکی بنیاد نهاده شد، به همین سبب او را «پدر شعر فارسی» نام نهادند. رایج‌ترین انواع شعر فارسی این دوره «حماسی»، «مدحی» و غنایی بود. شعر غنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی قوت و استحکام یافت.

**شعر حکمی و اندرز (تعلیمی)** آغاز شد و در دوره سلجوقیان به پختگی رسید و از قصیده سرایان معروف «کسایی موزی» و ناصر خسرو بود.

## نثر این دوره

نثر هم در این دوره رونق یافت و کتاب‌هایی در موضوع‌های گوناگون به زبان دری پدید آمد. نثر این دوره ساده و روان است و بیشتر به موضوع‌های حماسی، ملی و تاریخی توجه دارد.

پرخ از کتاب‌های نثر فارسی در این دوره عبارتند از:

- ۱- «شاهنامه ابومنصوری»: این کتاب حدود سال ۳۴۶ قمری به دست دانشوران خراسان با موضوع تاریخ گذشته ایران بود، امروز فقط چند صفحه از آن باقی مانده است.
- ۲- «ترجمه تفسیر طبری»: اصل تفسیر را «محمد بن جریر طبری» به زبان عربی به نام خود نوشته است و جمعی از دانشمندان آن زمان به فارسی برگرداندند.
- ۳- «تاریخ بلعمی»: ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمد بن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرسل و الملوك» به زبان عربی نوشته بود به فارسی برگرداند و بلعمی هم ضمن ترجمه اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران به دست آورد و بر آن افزود و با حذف مطالبی از اصل تاریخ طبری، آن را به صورت تألیفی مستقل درآورد که به «تاریخ بلعمی» شهرت یافت.

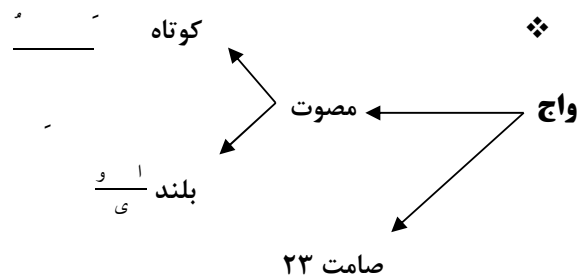
## درس پنجم:

## «هماهنگی پاره‌های کلام»

اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر عاطفه است. عاطفه: حالتی روحی - روانی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس همراه سازد.

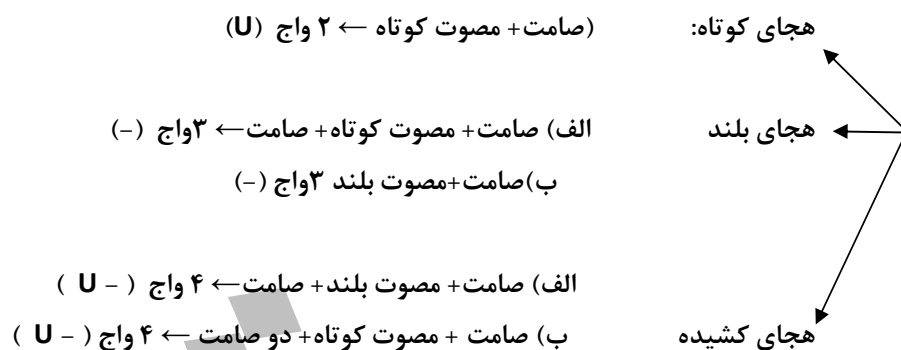
۱- بعداز عاطفه مؤثرترین عامل وزن است.

❖ واچ: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان (صدا در گفتار)



❖ هجا(بخش): به تعداد مصوت در یک واژه هجا تشکیل می‌شود. مثال ← مادر که دوهجا می‌شود.

## انواع هجا:



❖ **نکته ۱:** سه واج بلند چون از نظر امتداد صوتی دو برابر مصوت‌های کوتاه هستند پس در شمارش ۲ واج حساب می‌شود

**مثال:** بار (ب + ا + ر) ← ۴ واج

❖ **نکته ۲:** «الف» در ابتدای هر واج در عروض ۳ واج است.

**مثال:** آب = ا / ب مجموعاً ۴ واج

قر = ق / ر  
مثال ۲: قرآن

آن = ا / ن = ۴ واج

\* هر چند (ن) ماقبل مصوت‌های بلند حذف می‌شود در خط عروضی

❖ **نکاتی در جداسازی هجاهای یک کلمه**

- ۱- در هر هجا فقط یک مصوت داریم (تعداد هجاها برابر با تعداد مصوت‌ها) می‌باشد.
- ۲- در جداسازی هجاها هر هجا را همان طور که می‌خوانیم، می‌نویسیم تا در شمارش واج‌ها برای نشانه گذاری دچار اشکال نشویم.

**مثال:** تو ← تْ خواب ← خاب  
شکل نوشتاری ← شکل خوانداری      شکل نوشتاری ← شکل خوانداری

۳- قبل از هر مصوت یک صامت وجود دارد، پس «ابر» تعداد واجش این چنین می‌شود: ا / ب / ر

۴- هجای کشیده معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.

۵- مصوت بلند پیش از «ن» ساکن کوتاه به حساب می‌آید.

اکنون که با شناخت هجا و تعیین نوع آن (کوتاه، بلند، کشیده) آشنا شدید باید بدانید زمانی دو مصرع هم وزن می‌شوند که:

(الف) تعداد هجاهای آنها با هم برابر باشد.

(ب) هجاهای کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.

**مثال:** بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش

|    |      |      |    |      |     |    |    |    |   |     |
|----|------|------|----|------|-----|----|----|----|---|-----|
| بُ | خُر  | تا   | تَ | وا   | نی  | بِ | با | زو | ی | خیش |
| کِ | سَعَ | یَتَ | بُ | وَدَ | دَر | تَ | را | زو | ی | خیش |
| U  | -    | -    | U  | -    | -   | U  | -  | -  | U | -   |

توجه ۱: هجای پایانی اوزان شعر فارسی همیشه بلند محسوب می شود و اگر به جای آن کشیده یا کوتاه بیاید تبدیل به هجای بلند می شود مثل هجای پایانی در بیت بالا «کوه» که کشیده است یعنی از نظر عددی ۴ واج می باشد، بلند حساب می شود به عبارتی واج کوتاه حذف می شود. «کو»

توجه ۲: تساوی مصراع‌ها و هجاها مربوط به شعر سنتی است نه شعر نو  
پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۵

### درس ششم:

#### «سجع و انواع آن»

**سجع:** یکسانی دو واژه در واج های پایانی و وزن یا هردوی آنها در پایان دوجمله است. (قافیه درنثر) است.

- سجع هم درنثر و هم شعر به کار می رود. فایده آن ایجاد موسیقی درنثر و افزایش موسیقی در شعر است.

- نثری که سجع در آن به کار رود «مسجع» نامیده می شود.

۱- متوازن: دو کلمه فقط هم وزن هستند. مثال ← (عمر - مال) - U

۲- مُطَرَف: دو کلمه هم وزن نیستند فقط واج های پایانی یکسانی دارند. مثال ← (آرند - بیازارند)

۳- متوازی: دو کلمه در وزن و واج های پایانی یکسان هستند. مثال ← (مال - سال)

انواع سجع

ارزش موسیقایی سجع متوازی بیش از دوسجع دیگر است.

ملک بی دین **باطل** است و دین بی ملک **ضایع**. سجع متوازن

دوستی را که به عمری فراچنگ **آرند** نشاید که به یک دم **بیازارند**. (مطرف)

همه کس را عقل خود به **کمال** نماید و فرزند خود به **جمال**. (متوازی)

پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۶

## درس هفتم:

## « سبک و سبک شناسی (سبک خراسانی) »

## ❖ دوره اول «سبک خراسانی»

«سبک»: در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد، «سبک شعر» می‌گویند. شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر «سبک شخصی» اوست.

## • تقسیم بندی سبک بر اساس نظریه ارسطو:

- ۱- بر اساس نام شاعر یا نویسنده مانند: سبک خراسانی ۲- زمان و دوره اثر مانند: دوره غزنوی ۳- موضوع و نوع مانند: سبک عرفانی، حماسی ۴- محیط جغرافیایی مانند: آذربایجانی، خراسانی ۵- مخاطب: سبک عامیانه ۶- هدف: تعلیمی، فکاهی ۷- قلمرو دانش: علمی، فلسفی

## • تقسیم بندی سبک شعر بر اساس نظر ملک الشعرای بهار:

۱. سبک خراسانی (ترکستانی) از «آغاز شعر فارسی تا قرن ششم»
۲. سبک عراقی «قرن ۶ تا ۱۰»
۳. سبک هندی «قرن ۱۰ تا ۱۳»
۴. دوره بازگشت «قرن ۱۳»
۵. دوره مشروطه
۶. دوره معاصر «از مشروطه تا به حال»

## • تقسیم بندی سبک نثر بر اساس نظر ملک الشعرای بهار:

- ۱- سامانی ۲- غزنوی ۳- سلجوقی ۴- عراقی ۵- بازگشت ادبی ۶- دوره ساده نویسی

※ **سبک خراسانی (ترکستانی):** نخستین آثار منظم بعد از اسلام ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان و ماورالنهر و ترکستان) پدید آمد.

**سبک سلجوقی:** را باید «بینابین» نام نهاد زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.

شعراي معروف سبک خراسانی: رودکی - فردوسی - ناصر خسرو و ....

• ویژگی‌های شعر سپید خراسانی در سه قلمرو:

**(الف) زبانی:** ۱- سادگی زبان شعر ۲- کمی لغات عربی ۳- کهنه و مهجور بودن بعضی از لغات ۴- استفاده از دو نشانه برای یک متمم

**(ب) ادبی:** ۱- قالب این دوره قصیده است. ۲- استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال ۳- استفاده بیشتر از تشبیه

**(پ) فکری:** ۱- روح شادی و نشاط ۲- شعر واقع‌گراست ۳- معشوق عمدتاً زمینی است ۴- روح حماسه ۵- سادگی فکر و کلام

• ویژگی‌های فنر دوره ساسانی:

۱- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا ۲- تکرار فعل و اسم ۳- کوتاهی جملات ۴- بهره‌گیری کمتر از لغات عربی  
مانند آثار ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی و شاهنامه ابومنصوری

• ویژگی‌های فنر دوره غزنوی و سلجوقی:

۱- اطناب (جملات طولانی) ۲- تمثیل و استشهاد به آیات ۳- حذف افعال ۴- افزایش کاربرد لغات عربی  
مانند آثار: تاریخ بیهقی، قابوس نامه، سفرنامه خسرو، کیمیای سعادت و ...

⇐ پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۷

درس هشتم:

«وزن شعر فارسی»

**عروض چیست؟** علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند «عروض» نامیده می‌شود.

واحد وزن در شعر فارسی «مصرع» است، وقتی شاعر مصرع اول را سرود، بقیه مصرع‌ها را باید در همان وزن بسراید.

**خط عروضی چیست؟** شعر را همان گونه که می‌خوانیم یا می‌شنویم بنویسیم.

❖ نکاتی در نوشتن شعر به خط عروضی:

(۱) همزه ماقبل صامت ساکن در خواندن حذف می‌شود. مثال: ۱: سرانجام = سَ / رَن / جام

مثال ۲: بنی آدم اعضای یکدیگرند = بَ / نِ / آ / دَ / مَعْ / ضَا / یِ / ...

(۲) آن طور که می‌خوانیم کلمات (هجاها) جدا می‌شوند. مثال: خواهر = خَا / هَر

۳ «ن» ساکن بعد از مصوت‌های بلند حذف می‌شود. مثال: جان = (-)

۴ در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود.

مثال: ای چشم چراغِ اهلِ بینش

۵ حروفی که در خط است اما به تلفظ در نمی‌آید، در خط عروضی حذف می‌شود.

مثال: می نویسیم ← هر چه بر نفس خویش نپسندی

به خط عروضی می نویسیم ← هر چه بر نفس خویش نپسندی

۶ حروف مشدد را دو بار می نویسیم مانند «عزّت» ← عزّزت

### ❖ تقطیع هجایی:

«تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی

### پس برای تقطیع:

شعر را به صورت خط عروضی و هجا هجا نوشته و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می‌کنیم. سپس علامت هر هجا را، زیر آن می‌نویسیم.

مثال: بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند

خط عروضی:

|    |   |    |    |     |   |    |    |    |    |     |
|----|---|----|----|-----|---|----|----|----|----|-----|
| بش | ن | از | نی | چُن | ح | کا | یت | می | کُ | نَد |
| -  | U | -  | -  | -   | U | -  | -  | -  | U  | -   |
| از | ج | دا | یی | ها  | ش | کا | یت | می | کُ | نَد |
| -  | U | -  | -  | -   | U | -  | -  | -  | U  | -   |

← پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس ۸

### درس نهم:

### «موازنه وترصیع»

**موازنه:** تقابل سجع های متوازن یا متوازی در دو جمله است که به هم آهنگی آنها می‌انجامد.

مثال: دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود



جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

**قرصیج:** موازنه ای که همه سجع های آن متنازی باشد.

مثال: ای منور به تو نجوم جمال

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓  
ای مقرر به تو رسوم کمال

← پرسش های چهار گزینه ای درس ۹

«زبان و ادبیات فارسی در سده های ۵ و ۶»

درس دهم:

«و ویژگی های آن»

❖ شعر فارسی

تلاش شاعران ایران از قرن سوم تا میانه قرن ۵ موجب شد زبان و ادبیات فارسی در شرق و شمال شرق، یعنی ماورالنهر، خراسان و سیستان گسترش یابد.

**مواد مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی این دوره عبارتند از:**

۱. گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار
۲. لشگرکشی غزنویان
۳. توسعه مدارس تعلیم
۴. گسترش فارسی دری
۵. درآمیختن زبان فارسی با ترکیبات عربی
۶. آمیختگی باواژه ها، نام ها و لقب های غیررایج در عصر غزنوی و سلجوقی

**علت آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی در قرن ۵ و ۶ چه بود؟**

زیرا در مدارس آن عهد، عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی میسر بود، به همین سبب شاعران و ادیبان بیش از هر چیز با زبان و ادبیات عربی آشنا می شدند.

رویداد دیگر نشر و گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر است و علت آن لشگرکشی های متعدد سلطان محمود غزنوی به هندوستان است.

• با نگاهی گذرا به شعر این دوره درمی یابیم :

۱. تا حدود نیمه‌ی دوم قرن ۵ و ۶ شعر فارسی همچنان تحت تأثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است.
۲. گروهی از شاعران این دوره علاوه بر تقلید از پیشینیان هر یک ابتکارات و نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد.

**موضوع اصلی شعر در نیمه دوم قرن ۶** علاقه‌مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف است.

- \* از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره، تأثیرپذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن بوده است.
- \* تحول روحی و معنوی سنایی آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید، آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوف و عرفان روی آوردند. شاعرانی همچون عطار و مولوی ظهور کردند.
- \* حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی نیز در شعر این دوره تأثیری عمیق بخشید.

**نثر فارسی در سده‌های (۷ و ۸)**

در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نثر فارسی تازه ظهور کرده بود و با همه پیشرفت‌هایی که داشت هنوز در آغاز راه بود در نیمه قرن ۵ به دوره بلوغ و در قرن ۶ و اوایل قرن ۷ به پختگی و کمال رسید.

**\* همه‌ترین دلایل که در تاریخ نثر این دوره اهمیت دارد:**

۱. گسترش عرفان و تصوف
  ۲. شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسندگان
- \* در این دوره نثر موزون (مسجع) به وجود آمد و خواجه عبدالله انصاری این نثر را به کمال رساند.
- \* در قرن ۶ نثر دیگری به نام «نثر مصنوع» شکل گرفت.
- ویژگی‌های آن:** آوردن آرایه‌های ادبی فراوان امثال و اشعار گوناگون از عربی به پارسی و اصطلاحات علمی است و نخستین نمونه آن «کلیله و دمنه» است که بعدها توسط حضرت سعدی در کتاب گلستان به اوج خود رسید.
- با گسترش شعر فارسی در فارس و نواحی مرکزی ایران (عراق عجم) و آذربایجان و توجه نویسندگان و شاعران به علوم و ادبیات، در سبک شعر و نثر تحولی پدید آمد که به «عراقی» معروف است. این دوره شکوفاترین دوره زبان فارسی است.

**❖ ویژگی‌های شعر سبک عراقی به شرح زیر است:**

**الف) زبانی:**

- ۱- ازمیان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی
- ۲- فراوانی ترکیبات نو

۳- کاهش سادگی و روانی کلام

۴- ورود لغات ترکی و مغولی به فارسی

### ب) ادبی:

۱- رواج بیشتر قالب های شعری به ویژه غزل و مثنوی

۲- رواج منظومه های داستان سرایی

۳- توجه بیشتر به آرایه های ادبی

۴- به کارگیری ردیف های فعلی واسمی دشوار در شعر

### ج) فکری:

۱- ورود اصطلاحات عرفانی

۲- فراوانی وعظ و اندرز در شعر

۳- فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی

۴- رواج هجو در شعر

۵- رواج حس دینی

۶- رواج مفاخره شکایت و انتقاد اجتماعی

### ویژگی های عمده نثر فارسی این دوره عبارتند از:

۱- استفاده از آرایه هایی همچون: موازنه، سجع، مراعات و تشبیه...

۲- حذف افعال به قرینه

۳- کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی

۴- رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی

۵- آوردن مترادفات و توصیف های فراوان

۶- کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن

۷- استفاده از ترکیبات دشوار

## درس یازدهم:

## « قافیه »

**ردیف:** کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنی) تکرار می شود.

**قافیه:** واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آنها مشترک باشد.

**حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی که در آخر واژه‌های قافیه می آید.

مثال: بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست  
کلمه قافیه      حروف قافیه      ردیف

## قواعد قافیه:

قاعده ۱: هر یک از مصوت‌های (ا / و) به تنهایی اساس قافیه قرار می گیرند.

مثال ۱- صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان داده‌ای ما را  
قافیه ردیف

مثال ۲: یارب، مار است هین بگریز از او / تا نریزد بر تو زهر، آن زشت خو  
قافیه

قاعده ۲: هر مصوت با یک یا دو صامت بعدش قافیه قرار می گیرد. (مصوت + صامت)

مثال ۱- کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد / یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد  
در این بیت «ین» حروف قافیه و کلمه‌های «حزین» و «همین» قافیه است.

مثال ۲- نکونام و صاحب دل و حق پرست / خط عارضش خوش تر از خط دست  
«ست» (مصوت + صامت + صامت) حروف قافیه است.

☀ **نکته ۱:** «و» درواژه‌هایی مانند «جو، نو، رو، دو، دور، جور، فردوس، جلو، شوق، ذوق، حُل، قول»

مُوج، اُوج، گُوهر و...» به صورت «لَو» (مصوت کوتاه + صامت) معادل «ow» تلفظ می شود. وقافیه طبق قاعده ۲ می باشد.

مثال: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

**تبصره ۱:** به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه اند و رعایت آنها الزامی است؛

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی      دل بی توبه جان آمد وقت است که باز آیی

ا+یی حروف قافیه است: (ا) حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و **یی** حروف الحاقی.

حروف الحاقی عبارتند از:

(شناسه‌ها، ضمایر متصل، پسوندها، «ن» مصدری و «ی» آخر بعضی از واژه‌های (خدای)، (جای)، (موی)...) (...

**تذکره:** برای پیدا کردن قافیه هر شعر ابتدا به سراغ ردیف می رویم، سپس واژه های قافیه و در آنها اول حروف الحاقی و سپس حروف اصلی را مشخص می کنیم. قدما آخرین حرف اصلی را «روی» می نامیدند.

**تبصره ۲:** «ه» بیان حرکت (غیر ملفوظ) حروف الحاقی هستند مانند (کره - تره) حروف قافیه (ر) می باشد.

**تبصره ۳:** در قاعده ۲ اگر مصوت ها متفاوت باشند قافیه نمی شوند؛ مگر حرف یا حروفی الحاق شوند. مثال (گشته - گشته)

**تبصره ۴:** پسوند و پیشوند می تواند قافیه قرار گیرد به شرط آنکه تکراری نباشد.

مثال نادرست: شب سیاه بدان زلف کان تو ماند / سپیدروز به پاکی رخان تو ماند

جمع

جمع

مثال درست: تک بهاران شد، صلاي لولیان / بانگ نای و سبزه و آب روان

حالت

جمع

\*\*\*\*\*

❖ **قافیه درونی:** بعضی از شاعران برای غنی تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصراع ها نیز قافیه می آورند.

مثال ← در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

قافیه اصلی غزل

قافیه درونی

❖ **ذوقافیتین:** گاهی شعر دارای دو قافیه پایانی (ذوقافیتین) است که قافیه اصلی در واژه های آخر مصراع هاست.

مثال ← طُرفه می دارند یاران صبر من بر داغ و درد / داغ و دردی کز تو باشد خوش تر است از باغ و وَرْد

تذکره: در شکل نوشتاری (املایی) حروف قافیه باید مشابه و همسان باشد، مثلاً در این شعر سعدی:

پیوند روح می کند این باد مشک بیز / هنگام نوبت سحر است ای ندیم، خیز

حال اگر به جای یکی از قافیه ها کلماتی همچون «حُضیض، لذیذ، غلیظ» قرار می گرفتند شاید از نظر گوشتی یکسان بود ولی از نظر املایی متفاوت است.

\* پس شرط بر آن است که کلمات قافیه از نظر رسم الخطی درست باشند.

❖ **قافیه در شعر نو:**

قرار گرفتن قافیه در شعر نو بیشتر جنبه ذوقی دارد به قول نیما «قافیه مقید به جمله خود است» و همین که مطلب عوض شد. قافیه عوض می شود. بر خلاف شعر کلاسیک (قدیمی) قافیه همیشه در آخر نمی آید، بلکه بستگی به مطلب دارد.

مثال: از تهی سرشار

جویبار لحظه ها جاری است

چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ

دوستان و دشمنان را می شناسم من

زندگی را دوست دارم

مرگ را دشمن

## درس دوازدهم:

### «جناس و انواع آن»

#### - چنانچه:

به معنای به کار بردن واژه‌هایی در سخن است که در تمام حروف یا برخی از آن‌ها با یکدیگر اشتراک داشته باشند. در تقسیم بندی به دو قسم تقسیم می گردد:

الف) جناس تام: آن است که دو کلمه در لفظ و املا یکسان و در معنی مختلف باشند. مانند این بیت زیر:

بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟ (گور: گورخر - گور: قبر)

ب) جناس ناقص

(۱) اختلاف حرکتی: مثال: (گل - گِل)

(۲) اختلاف حرفی: مثال: (کام - نام)

(۳) افزایشی: مثال: (جان - آن)، (قامت - قیامت)

#### ابیات نمونه:

الف) در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبل / هات الصبوح هبوا یا ایها السکاری

ب) صوفی بیا که آینه صافی است جام را / تا بنگری صفای می لعل فام را

ج) ساقی به نور باده برافروز جام ما / مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

## - «علوم و فنون ادبی (۲)» یازدهم -

### درس اول:

#### «تاریخ ادبیات فارسی در قرن ۸ و ۷»

#### ❖ زمینه‌های تغییر سبک (از خراسانی به عراقی) در زبان فارسی:

۱. برخی عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی
۲. تغییر مرکز ادبی و سیاسی از «خراسان» به «عراق عجم»
- \* سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم کم «سبک عراقی» پدید آمد.
- \* سبک عراقی از اوایل قرن ۷ تا اوایل قرن ۱۰ به مدت ۳۰۰ سال سبک قالب متون ادب فارسی بود.

#### ❖ تأثیر حمله مغول در قرن ۷:

- (۱) آسیب به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی
- (۲) ویرانی خراسان (کانون فرهنگی ایران) و مدارس آن
- (۳) کشته شدن بزرگانی چون نجم الدین کبری، فریدالدین عطار و کمال الدین اسماعیل مداح، جلال الدین خوارزمشاه که شعری از او در مورد کشتار مغول بر جای مانده است.

#### ❖ دلایل روی آوردن شعرا و نویسندگان به تصوف در قرن ۷:

- (۱) ویرانی بناها، آبادانی‌ها و بنیان فرهنگ و اخلاق با حمله مغولان
- (۲) مأیوس و منزوی شدن شعرا

☆ در اواخر دوره مغول، بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی (المستعصم بالله) بر چیده و زبان عربی از رواج افتاد و زبان فارسی رونق بیشتری گرفت

\* - دلیل نام گذاری سبک این دوره به عراقی این است

۱- بعد از مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.

۲- شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری و اراک کنونی) بودند

### ❖ کلی سستی و ناپسامانی در وضعیت زبان و ادبیات فارسی در قرن ۲ چه بود؟

- ۱- متواری شدن دانشمندان و ادیبان
- ۲- از دربارهای ادب دوست و خاندانهای فرهنگ پرور خبری نبود.

### ❖ عوامل مثبتی که موجب رشد زبان و ادبیات فارسی و اعتبار ادیبان در قرن هفتم:

- ۱- انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران و گسترش آن در عراق عجم
- ۲- ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی
- ۳- پدید آمدن قالب‌های شعری جدید

#### وضعیت شعر در قرن ۷

۱. نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد.
۲. غزل کم کم جای قصیده را به دلیل بی مهری شاهان به شعرا گرفت.
۳. ظهور قالب مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان

#### وضعیت نثر در قرن ۷

۱. گرایش به ساده‌نویسی مثال ← طبقات ناصری و مرصاد العباد
۲. پیچیده‌نویسی با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت مانند «تاریخ و صاف» و «جهانگشای جوینی»

#### معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن ۷

- (۱) مولانا جلال الدین بلخی: از شاخص‌ترین شاعران عارف در دو محور اندیشه و احساس  
آثار: «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس»

- (۲) سعدی: فرمانروای سخن که سی و پنج سال گرد جهان گشت.  
آثار: ۱- «گلستان» به نثر مسجع ۲- «بوستان» در قالب مثنوی در اخلاق و حکمت به وجود آورد  
۳- سرودن اشعار عاشقانه در بیشتر قالب‌های ادبی

- (۳) فخرالدین عراقی: صاحب غزل‌های عرفانی است.  
۱- آثار: «مثنوی عشاق نامه» در مورد مباحث عرفانی  
۲- «لمعات به نظم در مورد سیر و سلوک عارفانه است.

#### ۴) نجم الدین رازی (معروف به نجم دایه):

از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته قرن هفتم است.

آثار: «کتاب مرصاد العباد الی المعاد» از اوست.

#### ۵) عطا ملک جوینی: از نثر نویسندگان این دوره است.

آثار: «تاریخ جهانگشا» در شرح و ظهور چنگیز و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، نثر کتاب مصنوع و دشوار است.

#### ۶) خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی

وی وزیر مقتدر غازان خان و اولجائیو بود.

آثار: «جامع التواریخ» به نثری عالمانه و پخته، اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز

#### ۷) شمس قیس رازی: اثر معروفش «المعجم فی معاییر اشعار العجم» از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه و نقد

شعری است.

### «قرن هشتم»

#### دلایل فرصت ابراز عقیده در مذاهب های مختلف

۱. بی اعتقادی برخی از ایلخانان مغول

۲. بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج

\* نکته:

۱- از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی تبار

۳- از رونق افتادن قصیده سرایی موجب سستی در شعر شد به جز شاعران: خواجه، حافظ

#### شاعران شاخص قرن هشتم هجری

#### ۱) خواجه کرمانی: شاعری که غزل‌های او بر حافظ تأثیر گذاشته است.

«استاد سخن سعدی است نزد همه کس، اما دارد سخن حافظ طرز غزل خواجه»

آثار: چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان دهنده استادی او در شاعران است.

#### ۲) ابن یمین: شاعر عصر سربداران که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.

۳) **حافظ:** از شاعران سرآمد، او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن او گزنده، طنز آمیز و سرشار از خیرخواهی است.  
آثار: دیوان حافظ

۴) **سلمان ساوجی:** در عزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته  
آثار: مثنوی جمشید و خورشید

۵) **عبید زاکانی:** شاعر خوش ذوق با انتقادهای ظریف اجتماعی  
آثار: ۱- منظومه موش و گربه: ناهنجاریهای اجتماعی را به خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است. ۲- رساله دلگشا ۳- اخلاق الاشراف ۴- صد پند

۶) **حمدا لله مستوفی:** از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب «تاریخ گزیده» است.  
موضوع کتاب: تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه

### «قرن نهم»

بعد از ویرانگری مغولان، ایران دستخوش حمله‌ی دیگری به وسیله تیمور گورکانی (لنگ) شد و آن چه پس از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده (مثل فارس) از میان رفت. ویرانگریهای تیموریان از نیمه دوم قرن ۸ تا اوایل قرن ۱۰ به طول انجامید و در این مدت کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و متمدن شدند و دست به خلق آثار هنری چون مینیاتور، معماری و تاریخ نویسی شدند.

\* در زمان بایسنقر میرزا پسر شاهرخ، قرآن کریم و شاهنامه فردوسی به خط خوش کتابت شد.

#### معروفترین شاعران قرن ۹

۱) **جامی:** معروفترین شاعر این قرن  
آثار:

- ۱- «بهارستان» را به تقلید از «گلستان» نوشت.
- ۲- «نفحات الانس» را به شیوه «تذکره الاولیای» عطار
- ۳- «مثنوی تحفه الابرار» را به پیروی از نظامی نوشت.

۲) **دولتشاه سمرقندی:**

آثار: تذکره دولتشاه: شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی است. (از آغاز تا زمان مؤلف)

## درس دوم:

## «پایه های آوایی»

هروض چیست؟ علمی که قواعد وزن شعر و طبقه بندی وزن ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می کند «عروض» نامیده می شود.

واحد وزن در شعر فارسی «مصرع» است، وقتی شاعر مصرع اول را سرود، بقیه مصرع ها را باید در همان وزن بسراید.

خط عروضی چیست؟ شعر را همان گونه که می خوانیم یا می شنویم بنویسیم.

## ❖ نکاتی در نوشتن شعر به خط عروضی:

(۷) همزه ماقبل صامت ساکن در خواندن حذف می شود. مثال: سَ / رَن / جام = سَ / رَن / جام

مثال ۲: بنی آدم اعضای یکدیگرند = بَ / نِ / آ / دَ / مَع / ضِ / ی / ...

(۸) آن طور که می خوانیم کلمات (هجاها) جدا می شوند. مثال: خواهر = خا / هَر

(۹) «ن» ساکن بعد از مصوت های بلند حذف می شود. مثال: جان = جَان (-)

(۱۰) در خط عروضی باید حرکات (مصوت های کوتاه) گذاشته شود.

مثال: ای چَشْمُ چراغِ اَهلِ بَینش

(۱۱) حروفی که در خط است اما به تلفظ در نمی آید، در خط عروضی حذف می شود.

مثال: می نویسیم ← هر چه بَر نفس خویش نپسندی

به خط عروضی می نویسیم ← هر چِ بَر نفس خیش نپسندی

(۱۲) حروف مشدد را دو بار می نویسیم مانند «عَزَّت» ← عِزَزَت

## ❖ تقطیع هجایی:

«تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی

## پس برای تقطیع:

شعر را به صورت خط عروضی و هجا هجا نوشته و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می کنیم، سپس علامت

هر هجا را، زیر آن می نویسیم.

مثال: بشنو از نی چون حکایت می کند / از جدایی ها شکایت می کند

خط عروضی:

|    |    |    |    |     |    |    |    |    |    |     |
|----|----|----|----|-----|----|----|----|----|----|-----|
| بش | نُ | از | نی | چُن | ح  | کا | یت | می | کُ | نَد |
| -  | U  | -  | -  | -   | U  | -  | -  | -  | U  | -   |
| از | جُ | دا | یی | ها  | شِ | کا | یت | می | کُ | نَد |
| -  | U  | -  | -  | -   | U  | -  | -  | -  | U  | -   |

با خوانش درست شعر، به درنگ منظم آن پی می بریم. خانه هابه گونه ای منظم کنار هم چیده شده اند. به هریک از این خانه ها که برش آوایی ایجاد کرده اند: **پایه** یا **رکن عروضی** گویند. **وزن** شعر در حقیقت حاصل چینش به سامان این پایه های آوایی یا ارکان عروضی است.

## درس سوم:

### « تشبیه »

#### ۱- تشبیه:

یعنی مانند کردن هر چیزی به چیز دیگر که دارای صفات مشترکی هستند.

#### هر تشبیه چهار رکن دارد:

- ۱- مشبه: کلمه ای که آن را به کلمه ای دیگری تشبیه می کنیم.
  - ۲- مشبه به: کلمه ای که کلمه ای دیگر به آن تشبیه می شود.
  - ۳- ادات تشبیه: کلماتی هستند که نشان دهنده پیوند شباهت می باشند و عبارتند از: همچون، چون، مثل، به سان، شبیه، نظیر، همانند، به کردار و ...
  - ۴- وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به می باشد. (دلیل شباهت)
- مثال: کم گوی و گزیده گوی چون در

#### ابیات نمونه

خوشم به زندگی تلخ همچو می، ورنه / برون چو رنگ از این شیشه می توانم زد

ز تاب آتش سودای عشقش / بسان دیگ دلم می زند جوش

دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای

#### انواع تشبیه فشرده (بلیغ):

اگر وجه شبه و ادات تشبیه از تشبیه حذف شوند، به آن تشبیه فشرده گویند.

الف) فشرده **اضافی** که در درس دستور به آن اضافه تشبیهی گویند. آن است که یکی از طرفین تشبیه (معمولاً مشبه و گاهی مشبه به) بر دیگری اضافه می شود. (رابطه مشبه و مشبه به = مضاف و مضاف الیه) می باشد.

مثال: درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد / درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

### ابیات نمونه:

لیلی سر زلف شانه می کرد / مجنون در اشک دانه می کرد

دست از مس وجود چومردان ره بشوی / تاکیمیای عشق بیابی<sup>۱</sup> وزرشوی

(ب) پدیده اسنادی (مشبه + مشبه به + فعل اسنادی)

مثال ۱: علم نور است. مثال ۲: توسرو جویباری، تولاله بهاری / تو یارغمگساری، تو حور دلربایی

هرچ (تفضیل، پرر): هر گاه مشبه را به نوعی بر مشبه به برتری بدهیم، تشبیه مرجع صورت می پذیرد.

مثال: رنگ از عارض گلگون تو گیرد لاله / بوی از طره‌ی مشکین تو دارد عنبر

در این بیت، مشبه (معشوق شاعر) بر مشبه به برتری داده شده است.

### درس چهارم:

#### «سبک عراقی (قرون ۸ و ۷)»

#### ❖ ویژگی‌های سبک عراقی در شعر

##### ۱. زبانی

۱- چهار چوب زبان (سبک خراسانی) است.

۲- لغات اصیل فارسی کم شده و لغات عربی جای آن را گرفته

۳- «می»، «در» به جای «همی»، «آندر» جایگزین شد.

۴- نشانه مفعول تأکیدی «مر» کم شد.

##### ۲. ادبی

۱- سرودن غزل و استفاده از تخلص، بی رونقی قصیده

۲- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع»

##### ۳. فکری

۱- متعالی شدن عشق زمینی به عشق الهی تا آن جا که با معبود یکی می شود.

۲- رواج بیشتر تصوف به دلیل حمله مغول و خدشه دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان

۳- پرهیز از زُهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون

★ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک فراسانی و عراقی

| عراقی               | خراسانی                 |
|---------------------|-------------------------|
| عشق                 | ستایش خرد               |
| غم گرایی            | شادی گرایی              |
| فراق                | وصال                    |
| ذهن گرایی           | واقع گرایی              |
| رحیه عرفانی و اخلاق | رواج روحیه پهلوانی      |
| باور به قضا و قدر   | باور به اختیار و اراده  |
| آسمانی بودن         | زمینی بودن معشوق        |
| بازتاب بیشتر علوم   | بازتاب اندک علوم در شعر |

❖ ویژگی‌های سبک عراقی در نثر:

۱. قلمر زبانی:

- ۱- جایگزینی نثر ساده به جای نثر فنی
- ۲- رواج تاریخ نویسی به اسلوب ساده
- ۳- وارد شدن لغات ترکی و مغولی به فارس
- ۴-۵- ضعیف شدن ساخت دستوری

۲. قلمرو ادبی:

- ۱- سقوط بغداد به دست هلاکو، زبان عربی نفوذش در فارسی کم شد.
- ۲- در صنایع ادبی بیشتر به ظاهر سازی متن پرداختند.

۳. قلمرو فکری:

- ۱- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، ضعف و انحطاط فکری به وجود آمد.
- ۲- به دلیل نبودن اساتید بزرگ و حوزه‌های علمی، تحقیق به سستی رفت.
- ۴- به دلیل کنار آمدن مدعیان عرفان با مغولان، عرفان اصالت خود را از دست داد و کتب معتبر عرفانی به وجود نیامد.

➔ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم

## درس ششم:

## « مجاز »

**حقیقت:** اولین و رایج ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می رسد.

## ۴- مجاز:

مجاز یا شیوهی بیان مجازی عبارت است از به کارگیری واژه و سخن در معنای دیگر و غیر واژگانی آن. در شیوه بیان مجازی به طور معمول بین معنای حقیقی و معنای مجازی کلمه یا کلام رابطه و پیوندی برقرار است (**علاقه**) و نیز قرینه به شکل لفظی یا معنوی به کاربرد مجازی کلمه یا سخن اشاره دارد.

مثال: سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

در این بیت واژه‌ی سر در معنای «تفکر و قصد و اندیشه» به کار رفته است، لذا دارای معنای غیر حقیقی است.

## ابیات نمونه:

کس به چشمم در نمی آید که گویم مثل اوست / خود به چشم عاشقان صورت نبندد مثل دوست (مجاز از نگاه)

دل ندانم به خدنگ که به خون خفت ولی / آنقدر هست که مژگان تو خون آلود است (مجاز از تیر)

عجب از چشم تودارم که شبانش تا روز / خواب می گیرد و شهری زغمش بیدارند (مجاز از مردم شهر)

چو خامه هر که حدیث دل آورد به زبان / طمع مدار که سر به سر زبان نکند (مجاز از قصد و اندیشه)

## درس هفتم:

## « تاریخ ادبیات قرون ۱۱۰۰ »

## ❖ قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود و اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران آشفته شده بود.

\* **دو چریان شعری قرن دهم:**

- ۱- شعر لطیف و فصیح باباغانی که به طور طبیعی، شعر حافظ را به سبک هندی می کشاند.
- ۲- مکتب وقوع: نتیجه چاره اندیشی شاعران برای تغییر سبک زندگی و رهایی از تقلید

\* **سبک عراقی در نیمه دوم قرن دهم چگونه آغاز شد؟**

در این دوره به اوج خود رسید و شاعران تشخیص دادند که این سبک از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه تخیلی و ذهنی یافته است.

\* **هلت روی آوردن شعرا به دربار هند چه بود؟**

- ۱- بی توجهی شاهان صفوی نسبت به شاعران
- ۲- به عکس شاعر نوازی سلاطین هند؛ که منجر می شود از فرهنگ ایرانی تأثیر بپذیرد. تا آنجا که فضلا و شاهان هندی به فارسی سخن می گفتند.
- \* **مادر شهر:** همزمان با رشد ادبیات در هند اصفهان نیز پایتخت و محل اجتماع شعرا شد و به مادر شهر لقب یافت.

\* **زبان فارسی در دوره صفویان چه موقعیتی داشت؟**

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی به ایران نقش بسزایی داشتند اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.

\* **شهرهایی که در حوزه شعر و ادب رشد و توسعه یافتند عبارتند از:**

- ۱- اصفهان    ۲- خراسان    ۳- آذربایجان    ۴- نواحی مرکزی ایران

\* **عواملی که باعث شد به طور کلی شعر و شاعری و هنر معماری در زمان صفویه مورد توجه قرار گیرد:**

- ۱- علاقه آنها به سرودن و خواندن شعر فارسی
- ۲- برخی از شاهان صفوی مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند.
- ۳- شاهان صفوی با روسای مذاهب در تماس نزدیک بودند.
- ۴- شاهان صفوی رقاباتی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آن‌ها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان دادند.

### ❖ از مفاخر هنر قرن دهم:

- ۱- بهزاد (دوره شاه اسماعیل)
- ۲- رضا عباسی (در دوره شاه عباس)

### ❖ شاهان معروف قرن دهم:

- «بابا فغانی شیرازی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی»
- ۱- بابا فغانی شیرازی: از شعرای تأثیرگذار که شعرش دقیق و ظریف است.
  - ۲- وحشی بافقی: سبک شعرش حد واسط دوره عراقی و دوره هندی است و واقع گرایی شاخصه آن است.
  - ۳- محتشم کاشانی: در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب بند عاشورایی او زبانزد است.
- «باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است»

## قرن یازدهم:

با روی کار آمدن مذهب شیعه و رسمی شدن آن در زمان صفوی، به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه بی توجهی شد و شاعران سروده‌های خود را با مضامین پند و اندرز بیان کردند.

### ❖ دلایلی که باعث شد طبقات و گروه‌های بیشتری در قرن یازدهم مدعی شعر و شاعری شوند:

- ۱- وابسته نبودن شعر به دربار
- ۲- از بین رفتن طبق مدیحه سرایان درباری

### ❖ معروف‌ترین شاعران قرن ۱۱:

- ۱- کلیم کاشانی: به دلیل خلق معانی و خیال‌های رنگین به ویژه غزل‌های لطیف، به او «خلاق المعانی ثانی» می گفتند.
  - ۲- صائب تبریزی: معروف‌ترین شاعر سبک هندی
  - ۳- بیدل دهلوی:
- \* او را به سبب سرودن غزل‌های خیال انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می شناسیم.
- \* از ویژگی‌های عمده شعر بیدل (مضمون‌های پیچیده، استعاره‌های رنگین و خیال انگیز) می باشد.

### ⇐ پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس هفتم

## درس نهم:

## «استعاره»

## - استعاره:

اصل استعاره بر تشبیه استوار است و به دلیل این که در استعاره فقط یک رکن از تشبیه ذکر می شود و خواننده را به تلاش ذهنی بیشتری وا می دارد، لذا استعاره از تشبیه رساتر، زیباتر و خیال انگیزتر است.

**الف) استعاره‌ی مصرحه (آشکار):** آن است که «مشبه به» ذکر و «مشبه» حذف گردد.

مثال: ای آفتاب خوبان می جوشد اندرونم / یک ساعت بگنجان در سایه‌ی عنایت

توضیح: «آفتاب خوبان» استعاره برای معشوق است. (آفتاب خوبان «مشبه به» که ذکر شده و معشوق «مشبه» حذف شده است.

## ابیات نمونه:

در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را / مهر لب او بر در این خانه نهادیم (استعاره از معشوق، استعاره از قلب معشوق)

اگر ز طعنه‌ی عاجز کشی نیندیشیم / به قلب چرخ جفا پیشه می توانم زد (استعاره از آسمان)

صدف وار گوهرشناسان را / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (استعاره از سخنان نیکو)

بگو که جان عزیزم زدست رفت خدا را / ز لعل روح فزایش ببخش آن که تو دانی (استعاره از لب)

ای لعبت خندان، لب لعلت که مزیده است / وی باغ لطافت به رویت که گزیده است (استعاره از معشوق)

**ب) استعاره مکنیه (پنهان):** آن است که «مشبه» به همراه یکی از لوازم و ویژگی «مشبه به» ذکر گردد و خود «مشبه به» حذف شود. (ویژگی مشبه به + مشبه) مثال: شاخه معرفت - جرقه عشق - بارش مهر

\* استعاره مکنیه خود به دوشکل درجمله پدیدار می شود:

۱- به صورت جمله عادی. مثال: به صحرادم عشق باریده بود.

مشبه ویژگی باران

۲- به صورت ترکیب اضافی که در درس دستور به آن اضافه استعاری گویند.

**ابیات نمونه: (اضافه‌ی استعاری)**

گردد از دست نوازش پایه‌ی معنی بلند / مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است  
 کوس ناموس تو بر کنگره‌ی عرش زدیم / عَلم عشق تو بر بام سماوات بریم  
 دیده عقل مست تو چرخه‌ی چرخ پست تو / گوش طرب به دست تو بی تو به سر نمی شود

**درس دهم:****« سبک هندی قرون »**

همانطور که در درس قبل گفتیم سبک هندی به مدت ۱۵۰ سال رواج داشت و حکومت صفوی بهایی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه نمی داد، از این رو شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک اندیشی روی آوردند.  
 شعر از حوزه تصرف شاعران با سواد به فنون ادبی خارج شد و در دسترس مردم عادی قرار گرفت.

**\* خارج شدن شعر از تصرف شاعران با سواد و در دسترس مردم عادی قرار گرفتن چه امتیاز خوب و بدی داشت؟**

- ۱- سودمندی: شعر با مضمون‌ها و قلمروهای تازه رو به رو شد.
- ۲- زبان درباری: شعر از استواری و سلامت پیشین خود دور شد و این امر زبان بار بود.

**\* ویژگی‌های شعر سبک هندی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری**

- ۱- قلمرو زبانی: الف) روی آوردن طبقات مختلف مردم به شعر، باعث شد شعر کوچه بازاری به وجود بیاید.
- ب) دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات قدیم از صحنه شعر رخت بر بستند، به طوری که زبان شعر سبک هندی زبان جدید فارسی است.

**\* دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در قرن ۱۱ چه بوده؟**

- الف) حملات بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران که به نابودی کتابخانه‌ها و آثار کهن انجامید.
- ب) تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود.
- ۲) ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب است.
- ۳) به علت از بین رفتن سلطه حکومت بغداد، لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان، به رواج لغات ترکی انجامید.

**۲- قلمرو ادبی:**

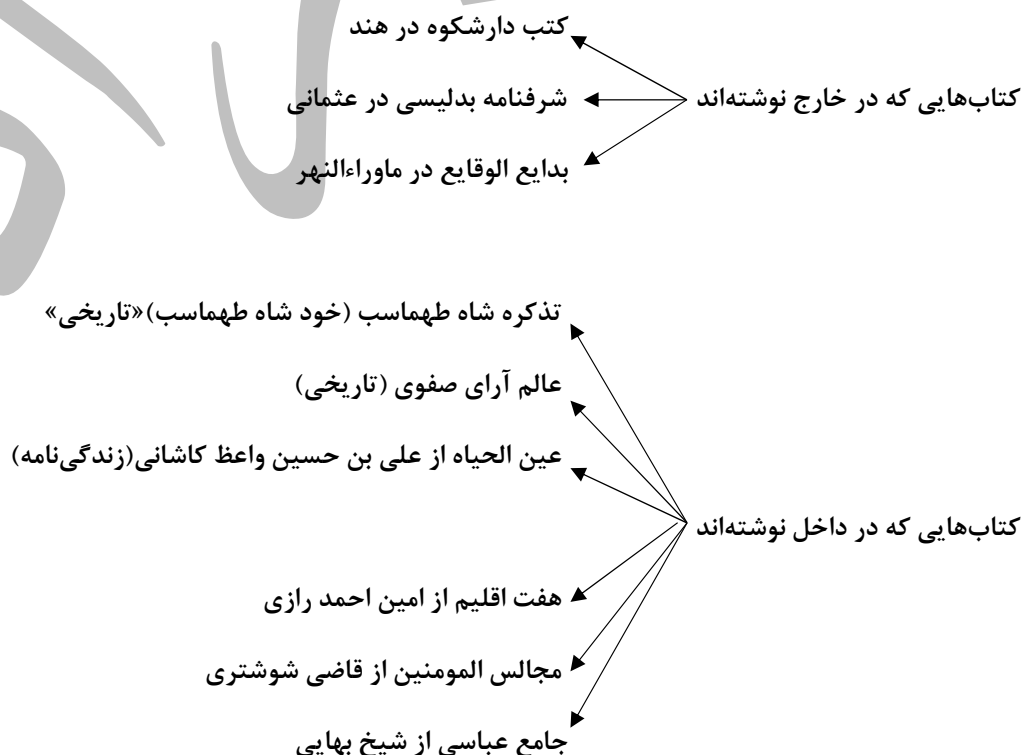
۱. در سبک هندی به دلیل کم توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی، و استفاده ضعیف از برخی آرایه‌های همچون (تشبیه، تلمیح، حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله) شعری ضعیف از نظر آرایه به وجود آمده است.
۲. هر چند قالب مسلط غزل است، اما گاه غزلی با ۴۰ بیت می‌توان یافت.
۳. تکرار قافیه و استفاده از ردیف‌های طولانی رایج است.

**۳- قلمرو فکری:**

۱. شعر هندی شعری معناگراست نه صورت‌گرا یعنی شاعران بیشتر به معنی توجه دارند نه به زبان و آرایه‌ها. شاعران به دنبال مضمون سازی از هر چیزی در عالم طبیعت هستند.
۲. شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت خلاصه است و نهایت این که تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی‌انگیزد.
۳. کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان است.

**انواع نثر دوره هندی:**

۱. **نثر ساده (موسل):** لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر کم نیست مانند: نثر بلعمی



۲. **نثر مصنوع:** در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد. از کتبی که به این شیوه نوشته شده‌اند می‌توان از عباس نامه وحید قزوینی و محبوب القلوب میرزا بر خوردار رفاهی نام برد.

۳. **بینابین:** نه چندان ساده و نه چندان دشوار، از کتاب‌های معروف نثر بینابین «حبیب السیر» از خواند میر و «احسن التواریخ» از حسن بیک روملو است.

### ❖ ویژگی‌های نثر سبک هندی:

#### الف) قلمرو زبانی:

- ۱- در آمیختگی نظم و نثر
- ۲- آوردن جملات طولانی
- ۳- فراوانی لغات ترکی و مغولی
- ۴- آوردن تتابع اضافات (واج آرایی کسره)
- ۵- مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی
- ۶- جمع بستن با «ات» در کلمات عربی و هم در فارسی

#### ب) قلمرو ادبی:

- ۱- نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد، زیرا به زان عامیانه نزدیک‌تر است.
- ۲- انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیش‌تر شده است.
- ۳- استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی رواج دارد.

### \* **حواملی که سبک هندی را از رونق انداخت:**

- ۱- رواج کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر
- ۲- بی دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی
- ۳- رواج مدح و چاپلوسی

#### ج) قلمرو فکری:

به دلایل فساد و تیره بختی، کشتار مردم، فرار دسته جمعی با ذوق از بیم تیغ استبداد به خارج از ایران یا کشته شدن و مردن آنان از گرسنگی و فقر بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی (شاه عباس اول) ایران از نویسندگان قوی دست خالی است.

## درس یازدهم:

## «پایه های آوایی همسان دولختی»

**رُکن عروض چیست؟** با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می بریم. خانه ها به گونه ای منظم کنار هم چیده شده اند به هر یک از این خانه ها که برش آوایی ایجاد کرده اند، پایه یا رکن عروضی می گویند.

مثال:

|               |              |               |              |
|---------------|--------------|---------------|--------------|
| ای سا رِ بان  | آ هِس تِ ران | کا را مِ جا   | نم می رَ وَد |
| وان دِل کِ با | خُد داشِ تم  | با دِل سیِ تا | نم می رَ وَد |

\* **په هر خانه یک رکن عروضی می گویند.**

وزن شعر در حقیقت حاصل چینش به سامان این پایه های آوایی یا ارکان عروضی است.

❖ در سرودن شعر پایه های آوایی (رکن) به شکلی هماهنگ در پی هم می آیند. به بیان دیگر، می توان پایه ها را به دسته های منظم بخش کرد. و ساده تر این است که هر یک از این پایه ها معادل آوایی هر یک از آنها را بیاوریم. معادل ها و نمادهای آوایی این پایه ها را «وزن واژه» یا «اسم رکن» می نامیم.

## «جدول اوزان شعر فارسی برای علوم و فنون ۲»

|         |        |        |        |        |      |
|---------|--------|--------|--------|--------|------|
| فاعلاتن | -- U-- | فعلاتن | -- UU  | فاعِلن | - U- |
| مفاعیلن | --- U  | مفعولُ | U --   |        |      |
| مستفعلن | - U -- | مفتعلن | - UU - |        |      |
| فعولن   | -- U   |        |        |        |      |

\* **یادآوری:**

در نوشتن شعر به خط عروضی (هجایی) رعایت چند نکته لازم است:

- همزه ماقبل صامت (ساکن) در خواندن حذف می شود. مثال سرانجام: سَ / رَن / جام
- آن طور که می خوانیم هجاها را جدا می کنیم. مثال ۱- خواهر: خا / هَر      مثال ۲- چه دلی: چ / دِ / الی
- «ن» ساکن بعد از مصوت های بلند حذف می شود. مثال: جان      دین  
(-)      (-)

۴. هر هجا را با خط عمودی مانند مثال‌های بالا جدا می‌کنیم.
- \* توجه شود در هر ستون حداکثر یک هجای بلند داریم.
۵. حال علامت‌های هر هجا را (خوشه‌های هجایی) می‌نویسیم.
۶. طبق جدول (اوزان عروضی) وزن معادل هر هجا را می‌نویسیم.

۷. برای به دست آوردن وزن هجاها بهتر است به روش زیر عمل کنیم.

۱- چهار تا چهار تا

۲- سه تا سه تا

۳- چهار تا سه تا

۴- سه تا چهار تا

حال چند مثال:

مثال ۱: روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

|                |               |               |                |             |
|----------------|---------------|---------------|----------------|-------------|
| پایه‌های آوایی | رو زِ گار رَس | تین کِ گِه عز | زَت دَ هَد گِه | خا ر دا رَد |
| خوشه‌های هجایی | - - U -       | - - U -       | - - U -        | - - U -     |
|                | چ ر خ با زی   | گ ر اَ زین با | زی چِ ها یِس   | یا ر دا رَد |
|                | - - U -       | - - U -       | - - U -        | - - U -     |
| وزن واژه       | فاعلاتن       | فاعلاتن       | فاعلاتن        | فاعلاتن     |

مثال ۲: خدایا به خواری مران از درم / که صورت نبندد دری دیگرم

|                |           |            |           |        |
|----------------|-----------|------------|-----------|--------|
| پایه‌های آوایی | خُ دا یا  | بِ خا ری   | مَ را نَز | دَ رَم |
| خوشه‌های هجایی | - - U     | - - U      | - - U     | - U    |
|                | کِ صو رَت | نَ بَن دَد | دَ ری دی  | گَ رَم |
|                | - - U     | - - U      | - - U     | - U    |
| وزن واژه       | فعولن     | فعولن      | فعولن     | فعل    |

❖ ارکان به شکل زیر است:

۱. ترکیب همسان: مثال: فعولن فعولن فعولن فعولن
۲. دو لختی (همگون): مثال: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
۳. ترکیب ناهمسان (ناهمگون): مثال: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن فع

مثال: مفتعلن / مفتعلن  
 \_U\_ / \_UU\_      \_U\_ / \_UU\_  
 +  
 = ١٤

## «علوم و فنون دوازدهم»

### پایه‌های آوایی ناهمسان (درس ۲)

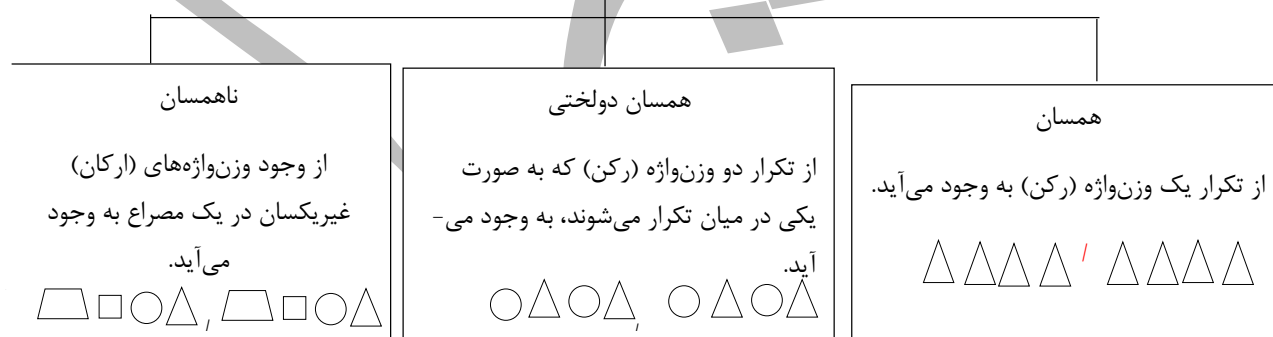
مقدمه:

سال قبل با وزن ناهمسان (که از تکرار یک پایه آوایی ساخته می‌شدن) و همسان دولختی (که از تکرار یکی درمیان دو تا پایه آوایی ساخته می‌شدن) آشنا شدی. اما همیشه هم، وزن ابیات فارسی این جوری هماهنگ و یکنواخت نیست بلکه از پایه‌های آوایی مختلفی ساخته می‌شه این وزن‌ها که بهشون می‌گن «وزن‌های ناهمسان»، موضوع درس ۲ هستن. تو بخش اول درس توضیحاتی راجع به این وزن‌ها خواهیم داد، بعد پرکاربردترین وزن‌ها ناهمسان را بهت معرفی می‌کنیم و از هر کدام چند تا مثال حل می‌کنیم. آخر کار هم می‌رسیم به تکنیک‌های تست‌زنی.

### پایه‌های آوایی ناهمسان»

وزن‌های ناهمسان: اوزانی هستند که در هر مصراع آن سه یا چهار رکن عروضی متفاوت به کار رفته است (یادتونه وزن هر مصراع از ۳ یا ۴ رکن عروضی تشکیل می‌شد دیگه؟) بنابراین وزن‌های مختلف شعر فارسی به طور کلی به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

#### انواع مختلف وزن شعر فارسی



مثال ۱: بیت زیر را تقطیع کرده، ارکان عروضی آن را بنویسید.

**شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو      ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو بست**

| پایه‌های آوایی  | شی    | دا | آ | زان | ش       | دَم | ک | ن | گا      | رَم | چ | ما | ه      | نو  |
|-----------------|-------|----|---|-----|---------|-----|---|---|---------|-----|---|----|--------|-----|
|                 | آب    | رو | ن | مو  | د       | جَل | و | گ | ری      | کَر | د | رو | ب      | بست |
| وزن             | مفعول |    |   |     | فاعلات  |     |   |   | مفاعیل  |     |   |    | فاعِلن |     |
| نشانه‌های هجایی | U - - |    |   |     | U - U - |     |   |   | U - - U |     |   |    | - U -  |     |

- به وزن و آه‌های این بیت توجه کنید. ۴ رکن عروضی متفاوت «مفعولُ - فاعلاتُ - مفاعیلُ - فاعلنُ» وزن را ساخته‌اند؛ بنابراین وزن این بیت ناهمسان است.

با توجه به مطالب گفته شده و اطلاعاتی که مباحث عروض سال‌های قبل دارید، برای تعیین وزن یک بیت، باید این مراحل را طی کنید:

### قدم اول:

آیا هجاهای بیت به صورت تکراری یا همسان تک‌پایه‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند؟ یعنی «۴ تا ۴ تا» یا «۳ تا ۳ تا»؟ «اگه نشد برید سراغ قده دوم.»

### قدم دوم:

آیا هجاها به صورت همسان دولختی تقسیم‌بندی می‌شوند؟ یعنی «۴ تایی ۳ تایی» یا «۳ تایی ۴ تایی» یا .... «اگه نشد برید سراغ قدم سوم.»

### قدم سوم:

وزن بیت ناهمسان است و ارکان عروضی می‌توانند به شکل‌های مختلفی کنار هم قرار بگیرند. «۴-۴-۳»، «۴-۴-۳-۳» و ... البته هر مصراع، ۳ یا ۴ رکن عروضی خواهد داشت و هر رکن عروضی معمولاً ۳ یا ۴، هجا (و در موارد کمی ۲ یا ۱ هجا)

نمونه ۱: به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن: **U - U - U - U - U**

قدم اول:

**U - U / - U / - U / - U**

فعولن فعولن فعولن فعولن

پس وزن این مصراع، همسان است.

نمونه ۲: در شهر یکی کس را هشیار نمی‌بینم: **U U - - - U U - - - U U**

قدم اول:

هجاهای این مصراع به صورت همسان تکراری تقسیم‌بندی نمی‌شوند.

قدم دوم:

**U - U / U - - / - U - - / - U - -**

مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن

پس وزن این مصراع، همسان دولختی است.

نمونه ۳: هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق: **U - U - - U U - U - U - -**

قدم اول:

هجاهای این مصراع به صورت همسان تقسیم‌بندی نمی‌شوند.

قدم دوم:

هجاه را به صورت همسان دولختی هم نمی‌توان تقسیم کرد.

قدم سوم:

--U / U-U / --U / -U-

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن

پس وزن این مصراع «ناهمسان» است.

ارکان مشابه، یکی در میان تکرار می‌شوند، پس وزن بیت «مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن» و از نوع «همسان دولختی» است. (قدم دوم)

«الف»:

|    |     |    |     |    |    |     |     |    |     |    |     |    |    |
|----|-----|----|-----|----|----|-----|-----|----|-----|----|-----|----|----|
| دِ | رَح | تَ | گَر | مُ | تِ | حَر | رِک | بُ | دِی | زِ | جای | بِ | جا |
| نَ | رَن | جَ | اَر | رِ | کِ | شِی | دِی | نَ | زَخ | مَ | ها  | جَ | فا |
| -  | U   | -  | U   | -  | U  | -   | U   | -  | U   | -  | U   | -  | U  |

این هجاها را نه می‌توان به صورت همسان تک‌پایه‌ای تقسیم‌بندی کرد نه همسان دولختی. پس باید سراغ قدم سوم برویم. بیایید هجاها را به صورت «۴-۴-۳» تقسیم کنیم و وزن‌واژه هر قسمت را زیر آن بنویسیم:

-UU / -U-U / --UU / -U-U

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

وزن بیت همین است، «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعِلن» از نوع «ناهمسان»

«ب»:

|     |     |    |    |     |     |    |    |     |      |    |     |     |       |
|-----|-----|----|----|-----|-----|----|----|-----|------|----|-----|-----|-------|
| رَح | مَت | نَ | کُ | نَد | بَر | دِ | لِ | بِی | چَا  | رِ | یِ  | فَر | هَاد  |
| هَر | کَس | کِ | سُ | خَن | گُف | تَ | نِ | شِی | رِین | نَ | شِی | نِی | دَسْت |
| -   | -   | U  | U  | -   | -   | U  | U  | -   | -    | U  | U   | -   | U     |

هجاهای این بیت را می‌توان به صورت «۴-۴-۲» تقسیم‌بندی کرد.

-- / UU -- / UU -- / UU --

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف

اما اگر هجاها رت به صورت «۳-۴-۴-۳» تقسیم کنیم به وزن ظاهراً متفاوتی می‌رسیم، دقت کنید:

-- U / U -- U / U -- U / U --

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولُن

کدام یک از این دو وزن را باید انتخاب کرد؟ احتمالاً شما هم با توجه به ترتیب «قدم به قدم» با انتخاب اولی موافقت کنید؛ پس نکته زیر را به یاد داشته باشید:

نکته: ۱

در تعیین مرز پایه‌ها و دسته‌بندی هجاها، نظم همسان بر نظم ناهمسان ترجیح دارد.

توجه: ممکن است یک بیت را بتوان به دو شکل مختلف تقسیم‌بندی کرد و دو وزن ظاهراً متفاوت به دست آورد. برای نمونه، بیت مثال (۱) ر می‌توان به شیوه دیگری هم تقسیم‌بندی کرد و به وزن دیگری رسید:

-- U / -- U -- / U -- UU / -- U --

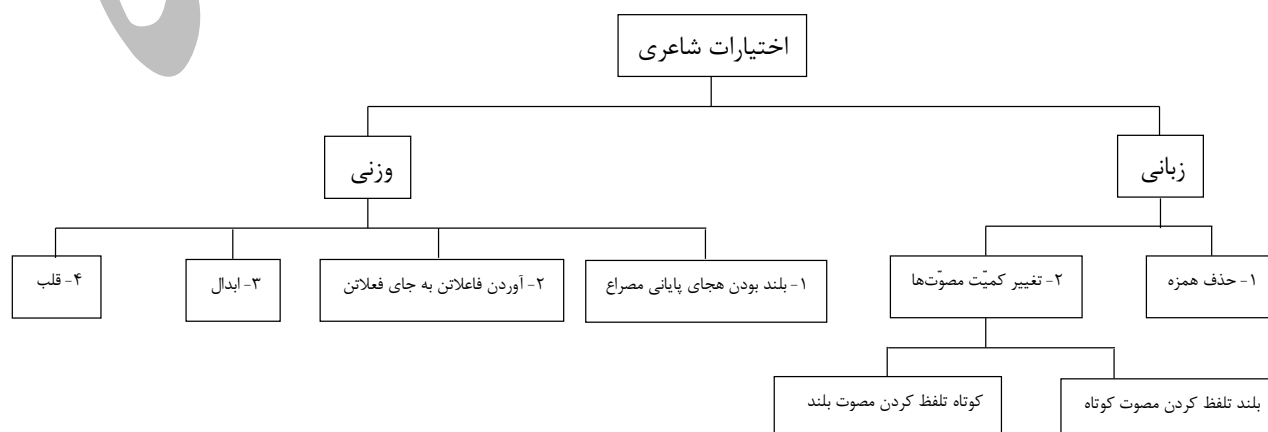
مستفعلنُ مفاعلُ مستفعلنُ فَعْل

هیچ یک از این دو وزن ظاهراً متفاوت، اولویتی بر دیگری ندارد، چرا که هر دو وزن ناهمسان هستند.

## اختیارات شاعری (۱): زبانی (دروس ۵ و ۸)

گفتیم هم‌وزن بودن دو مصراع به این معنی است که هجاهای آن‌ها از لحاظ نوع، تعداد، ترتیب قرارگیری و ... یکسان و هماهنگ باشند. در اغلب ابیاتی که تا کنون تقطیع کرده‌اید هم این تناظر و یکسان بودن را دیده‌اید؛ اما حتماً گاهی با دو مصراع هم‌وزن مواجه شده‌اید که در آن‌ها یک یا چند هجای متناظر، یکسان نبوده‌اند و احتمالاً از خود پرسیده‌اید که چرا با وجود این ناهماهنگی، باز هم دو مصراع را هم‌وزن می‌دانیم؟ شراسط و قواعد مشخصی وجود دارد که شاعران می‌توانند با توجه به آن‌ها، در موارد خاصی یکسان بودن هجاهای دو مصراع را رعایت نکنند اما باز هم آن دو مصراع هم‌وزن به حساب بیایند.

این شرایط و قواعد را اختیارات شاعری می‌نامند. اختیارات شاعری به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شود که در این درس و درس هشتم به آن‌ها خواهیم پرداخت. ابتدا در یک نگاه سریع، تمام مطالب را در نمودار زیر مرور کنیم و بعد برویم سراغ توضیحات مفصل‌تر:



**اختیارات زبانی:** اختیاراتی هستند که شاعر با نحوه بیان و شیوه تلفظ خود اعمال می‌کند و دو نوع دارد:

- حذف حمزه
- تغییر کمیت هجاها

### الف) حذف حمزه:

اگر حمزه آغاز هجا بعد از یک صامت بیاید، می‌تواند در تلفظ حذف شود (مثلاً «من از» رو می‌تونید هم به شکل «مَنَز» تلفظ کنید هم به شکل «مَن از»). به عبارت دیگر، اگر حمزه بین یک صامت و یک مصوّت قرار گیرد، ممکن است حمزه تلفظ نشود. به قید «ممکن است» دقت کنید تلفظ شدن یا نشدن حمزه در یک مصراع، منجر به شکل‌های متفاوتی از تقطیع می‌شود. به این دو شکل متفاوت از تقطیع برای مصراع «من از

| من از بیگانگان هرگز ننالم                                                                                                                                                      |             |     |             |             |             |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------|-----|-------------|-------------|-------------|
| بدون حذف حمزه                                                                                                                                                                  |             |     | با حذف حمزه |             |             |
| مَن                                                                                                                                                                            | اَز         | بِی | گَا         | نِ          | گَا         |
| نَ                                                                                                                                                                             | گَا         | نِ  | گَا         | نَ          | گَا         |
| نا                                                                                                                                                                             | گَا         | نَ  | گَا         | نا          | گَا         |
| لَم                                                                                                                                                                            | گَا         | نَ  | گَا         | لَم         | گَا         |
| -                                                                                                                                                                              | -           | -   | -           | -           | -           |
| -                                                                                                                                                                              | -           | -   | -           | -           | -           |
| فَعُولُنْ                                                                                                                                                                      | مَفَاعِلُنْ | ؟   | فَعُولُنْ   | مَفَاعِلُنْ | مَفَاعِلُنْ |
| <p>اگر حمزه را حذف نکنیم، رکن اول این مصراع با باقی ارکان هماهنگ نخواهد بود و وزن عروضی شعر مختل خواهد شد. پس از این «اختیار زبانی» استفاده و حمزه را در تلفظ حذف می‌کنیم.</p> |             |     |             |             |             |

بیگانگان هرگز ننالم» دقت کنید:

حال برویم سراغ چند مثال؛ ابیات زیر را تقطیع و وضعیت استفاده از اختیار زبانی حذف حمزه را در آن‌ها مشخص کنید:

### مثال ۱: لب از گفتن چنان بستم که گویی دهان بر چهره زخمی بود و به شد

|                 |           |           |           |           |           |           |           |           |           |           |
|-----------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| پایه‌های آوایی  | لَ (بر)   | گُف       | تَن       | چُ        | کَلَن     | بَسَ      | تَم       | کِ        | گَو       | یِ        |
| وزن             | دَ        | هَانِ     | بَر       | چَهِ      | رِ        | زَخِ      | مِی       | بُو       | دُ        | پَهِ      |
| نشانه‌های هجایی | -         | -         | -         | -         | -         | -         | -         | -         | -         | -         |
| مفاعیلن         | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   | مفاعیلن   |
| فَعُولُنْ       | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ | فَعُولُنْ |

در این مثال، تنها یک بار از اختیار حذف حمزه استفاده شده است: لب از ← لَ بَر

## مثال ۲: ای مرغ به دام دل گرفتار باز آی که وقت آشیان است

|                 |            |               |                |
|-----------------|------------|---------------|----------------|
| پایه‌های آوایی  | ای مَر غ   | بِ دَا مِ دَل | گِ رِفِ تَار   |
| وزن             | با (زَا) ی | کِ وَقِ تِ آ  | شِ یَا (نَسْت) |
| نشانه‌های هجایی | مفعول      | مفاعِلن       | فَعولن         |
|                 | U - -      | - U - U       | - - U          |

در این بیت، دو بار از اختیار حذف همزه استفاده شده است:

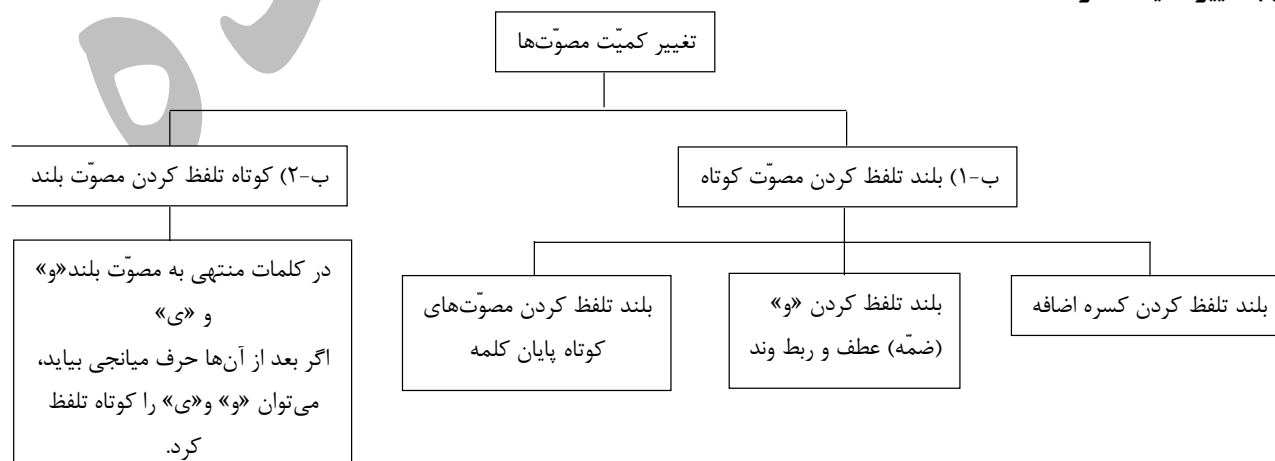
باز آی: - U - U ← بازای: - - U

شیان است: - U - U ← شی یا نَسْت: U - - U

نکته:

زمانی که صامت قبل از همزه، نون ساکنی باشد، که پس از یک مصوت بلند قرار گرفته است، حذف شدن یا نشدن همزه تغییری در نشانه‌های هجایی ایجاد نمی‌کند. البته در تست‌هایی که تعداد دفعات استفاده از حذف همزه خواسته می‌شود، این موارد را هم جزء اختیارات حساب کنید.

## (ب) تغییر کمیت مصوت‌ها



**ب-۱-۱) بلند تلفظ کردن کسره اضافه:**

گاهی کسره موجود در ترکیب وصفی یا اضافی، به ضرورت وزن، بلند تلفظ می‌شود و به جای هجای کوتاه، هجای بلند می‌سازد؛ مثلاً در ترکیب «دامن یار»، در حالت معمولی کسره و «ن» هجای کوتاه می‌سازند:

دا م ن یا ر  
U - U U -

حال فرض کنید کسره را کشیده‌تر و طولانی‌تر تلفظ کنیم، مثلاً «ن» را همان قدر کشیده تلفظ کنیم که «نی» یا «نا» را، در این صورت نشانه‌های هجایی این ترکیب، تغییر خواهند کرد:

دا م ن یا ر  
U - - U -

**مثال ۱ شب تاریک و گردابی چنین هایل کجا داندند حال ما سبکباران ساحل‌ها**

|                 |                             |                               |                             |                             |
|-----------------|-----------------------------|-------------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| پایه‌های آوایی  | شَ بَ تا ری<br>کُ جا دا نَن | کُ بی مِ مَو<br>دِ حَا لِ مَا | جُ گر دا بی<br>سَ بُک با را | جُ نین ها یل<br>نِ سا حل ها |
| وزن             | مفاعیلن                     | مفاعیلن                       | مفاعیلن                     | مفاعیلن                     |
| نشانه‌های هجایی | U - - -                     | U - - -                       | U - - -                     | U - - -                     |

به هجاهایی که دور آن‌ها خط کشیده شده است توجه کنید:

هجای دوم مصراع اول «ب» یک هجای کوتاه است. اما هجاهای متناظر آن در ستون مصراع دوم «جا»، در ستون رکن عروضی «فا» و در ستون نشانه‌های هجایی «-» است. تمام این نشانه‌ها به ما می‌گویند که هجای دوم مصراع اول هم باید بلند به حساب بیاید؛ پس کسره را کمی کشیده‌تر تلفظ می‌کنیم تا «ب» معادل یک هجای بلند شود. این یک اختیار زبانی است.

اما هجای هفتم مصراع اول «م» و مصراع دوم «ل» هر دو کوتاه هستند. از کجا بفهمیم که بایستی آن‌ها را بلند تلفظ کنیم؟ آفرین! از وزن‌واژه‌ها این بیت دارای وزن همسان با ۴ بار تکرار رکن «مفاعیلن» است. اگر دو هجای گفته شده را کوتاه در نظر بگیریم، رکن دوم تبدیل به «مفاعیلن» می‌شود و ما وزن عروضی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» نداریم! پس باید از اختیار زبانی بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه برای این دو هجاء هم استفاده کرده آن‌ها را بلند به حساب بیاوریم. حال به هجای سیزدهم مصراع دوم «ن» دقت کنید. هم هجای متناظر با آن در مصراع اول «چ» و هم هجای متناظر با آن در رکن دوم «م» کوتاه هستند. پس اینجا نیازی به استفاده از اختیار زبانی نیست.

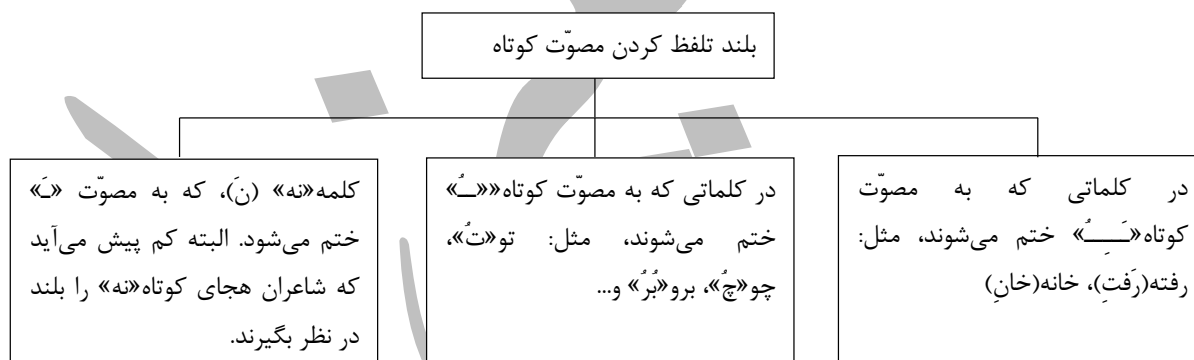
**ب-۱-۲) بلند تلفظ کردن «و» (ضمّه) ربط و عطف و وند:** فرض کنید می‌خواهید عبارت «شب و روز» را با نشانه‌هایی هجایی بنویسید. اگر آن را «شَب و روز» تلفظ کنید، هجاهای «U - U» «شَب و روز» تلفظ می‌شود، اما معمولاً در این عبارت‌ها «و» به صورت ضمّه تلفظ می‌شود، مثلاً «شَب و روز» که نشانه‌هایی هجایی آن «U - UU» است؛ گاهی شاعران به ضرورت وزن، این ضمّه را بلندتر تلفظ می‌کنند تا هجاهای متناظر در مصراع‌ها یکسان شوند و بیت، وزن و آهنگ مناسب خود را بیابد؛ مثلاً نشانه‌های هجایی عبارت «شَب و روز» به شکل «U - - U» درمی‌آید.

**مثال: گذر کردم به گورستان کم و بیش بدیدم حال دولتمند و درویش**

|                                     |         |          |          |          |         |          |          |          |         |          |          |
|-------------------------------------|---------|----------|----------|----------|---------|----------|----------|----------|---------|----------|----------|
| پایه‌های آوایی و نشانه‌های<br>هجایی | گُ<br>U | ذَر<br>- | کَر<br>- | دَم<br>- | بِ<br>U | گو<br>-  | رِس<br>- | تا<br>ز  | کَ<br>U | مِ<br>U  | بیش<br>- |
|                                     | بِ<br>U | دی<br>-  | دَم<br>- | حَا<br>- | لِ<br>U | دُو<br>- | لَت<br>- | مَن<br>- | دُ<br>U | دَر<br>- | ویش<br>- |
| وزن                                 | مفاعیلن | مفاعیلن  | مفاعیلن  | مفاعیلن  | مفاعیلن | مفاعیلن  | مفاعیلن  | مفاعیلن  | مفاعیلن | مفاعیلن  | مفاعیلن  |

به هجای دهم مصراع اول توجه کنید: «م». این ضمه همان «و» عطف در عبارت «کم و بیش» است. اما هجای دهم مصراع دوم «دَر» و هجای متناظر این دو رکن عروضی «عو» هر دو بلند هستند. پس از اختیار زبانی بلند تلفظ کردن «و» عطف استفاده می‌کنیم تا همسانی هجاها و تناسب وزن بیت رعایت شود. دقت کنید که در هجای نهم مصراع دوم «دُ» هم «واو یا ضمه» عطف داریم، اما با توجه به وزن بیت، این ج ضمه بایستی همان طور کوتاه تلفظ شود.

**ب-۱-۳) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایان کلمه:** یکی دیگر از مواقعی که می‌توانیم به ضرورت وزن، یک هجای کوتاه را بلند تلفظ کنیم، هجای پایانی کلماتی است که به مصوت کوتاه ختم می‌شوند. با توجه به وجود یه مصوت کوتاه (ـِ) می‌توان این اختیار را به سه زیرمجموعه تقسیم کرد:



بلند تلفظ کردن مصوت «ـِ» در پایان کلمات: کلماتی مثل کوچه، باده، رسیده و ... را «کوچ»، «بادِ»، «رسیدِ» و ... تلفظ می‌کنیم. گاهی به ضرورت وزن، کسره آخر این کلمات، بلند تلفظ می‌شود تا وزن شعر به هم نخورد. واضح است که در این جا منظورمان کلماتی مثل «فربه»، «زَه»، «مِه» و ... نیست، چرا که این کلمات به «ه» ختم می‌شوند و این «ه» در آخر آن‌ها تلفظ می‌شود، پس از موضوع بحث م خارج هستند.

**مثال: که راست مانند الف، که کز چو حرف مختلف یک لحظه پخته می‌شوی یک عمر خامت می‌کنم**

|                                     |         |          |         |          |         |         |         |         |         |          |         |          |          |          |         |          |
|-------------------------------------|---------|----------|---------|----------|---------|---------|---------|---------|---------|----------|---------|----------|----------|----------|---------|----------|
| پایه‌های آوایی و<br>نشانه‌های هجایی | گه<br>- | را<br>-  | ست<br>U | ما<br>-  | نِ<br>U | دِ<br>U | اِ<br>- | لِ<br>- | گه<br>- | کُ<br>-  | چُ<br>U | حَر<br>- | فِ<br>U  | مُخ<br>- | تَ<br>U | لِف<br>- |
|                                     | یک<br>- | لَح<br>- | ظِ<br>U | پُخ<br>- | تِ<br>U | مِ<br>- | شِ<br>U | وی<br>- | یک<br>- | لَح<br>- | ظِ<br>U | خَا<br>- | مَت<br>- | مِ<br>-  | کُ<br>U | نَم<br>- |
| وزن                                 | مستفعلن | مستفعلن  | مستفعلن | مستفعلن  | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن | مستفعلن  | مستفعلن | مستفعلن  | مستفعلن  | مستفعلن  | مستفعلن | مستفعلن  |

ب-۲) گفتیم که یکی از انواع اختیارات شاعری زبانی «تغییر کمیت مصوت‌ها» است. بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه و انواع آن را شرح دادیم و اکنون نوبت شکل دوم تغییر کمیت مصوت‌ها، یعنی کوتاه تلفظ کردن مصوت‌های بلند است.

کلماتی را در نظر بگیرید که به مصوت بلند «و» یا «ی» ختم می‌شوند (ابرو، گیسو، علی، خاکی) اگر بعد از این مصوت‌ها بلافاصله مصوت دیگری بیاید (مثلاً ابرویت، گیسویت، علی ای، خاکیت)، شاعر اختیار دارد که مصوت‌های بلند «و» و «ی» موجود در انتهای این کلمات را کوتاه تلفظ کند. ضمناً میان دو مصوت، صامت «ی» قرار می‌گیرد که آن را «ی» میانجی می‌گویند.

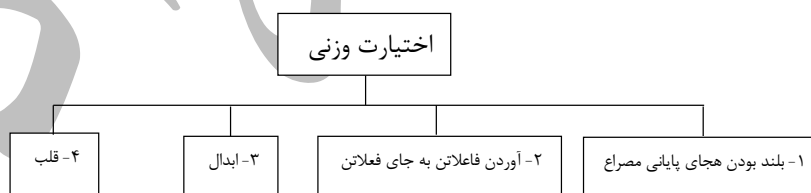
### مثال: خمی که ابروی شوخ تودر کمان انداخت به قصد جان من زار ناتوان انداخت

|                                  |              |              |              |          |
|----------------------------------|--------------|--------------|--------------|----------|
| پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی | خَ می کَ اَب | رَ ی شو خ    | تُ در کَ ما  | نَن داخت |
|                                  | U - U -      | U - U -      | U - U -      | - -      |
|                                  | بَ قَص دَ جا | نَ مَ نَ زَا | رَ نَا تَ وا | نَن داخت |
|                                  | U - U -      | U - U -      | U - U -      | - -      |
| وزن                              | مفاعیلن      | فعلاتن       | مفاعیلن      | فعْلُن   |

هجای پنجم مصراع اول، یعنی «رو» در اصل یک هجای بلند است، اما هجاهای متناظر با آن، یعنی هجای پنجم مصراع دوم «ن» و هجای اول رکن دوم «ف» کوتاه هستند.

از طرف دیگر، لغت «ابرو» به مصوت بلند «و» ختم شده و پس از این مصوت، بلافاصله مصوت «ی» قرار دارد. (در «ابروی»، «ی» نقش صامت میانجی را دارد). پس از اختیار کوتاه تلفظ کردن هجای بلند استفاده کرده و «رو» را کوتاه تلفظ می‌کنیم تا وزن بیت درست باشد. ضمناً در این بیت دو بار از اختیار بلند تلفظ کردن کسره اضافه هم استفاده شده است: در هجای هشتم مصراع اول و هجای هفتم مصراع دوم

### اختیارات شاعری (۲): وزنی



### ۱- بلند بودن هجای پایان مصراع

با این اختیار کاملاً آشنا هستید و قبلاً بارها با آن مواجه شده‌اید هجای پایانی مصراع‌ها، از هر نوعی که باشد همیشه بلند به حساب آمده و ب علامت «-» نمایش داده می‌شود.

یادآوری: در اوزان همسان دولختی، این قاعده در هجای پایانی نیم‌مصراع‌ها نیز اعمال می‌شود.

پس هر گاه، هجای پایانی یک مصراع (یا یک نیم‌مصراع در وزن‌های همسان دولختی) کوتاه یا کشیده بود از اختیار وزنی بلند بودن هجای پایان مصراع استفاده کرده‌ایم. (اگر هم هجای آخر بلند بود که هیچی دیگه بی اختیاریم!)

## مثال: زمشرق سر کوی آفتاب طلعت تو

## اگر طلوع کند طالعم همایون است

|     |         |          |         |          |         |          |          |          |          |          |          |          |          |          |
|-----|---------|----------|---------|----------|---------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| ز   | مش      | ر        | ق       | ش        | ر       | کو       | یا       | ف        | تا       | ب        | طَل      | ع        | ت        | ت        |
| U   | -       | U        | U       | U        | U       | -        | -        | U        | -        | U        | -        | U        | U        | U        |
| ا   | گر      | ط        | لو      | ع        | ک       | ند       | طا       | ل        | عم       | ه        | ما       | یو       | نست      |          |
| U   | -       | U        | -       | U        | U       | -        | -        | U        | -        | U        | -        | -        | U        | U        |
| وزن | مفاعِلن | فَعْلَتن | مفاعِلن | فَعْلَتن | مفاعِلن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن |

چنان که ملاحظه می کنید هم هجای آخر مصراع اول «ت» که کوتاه است، هم هجای آخر مصراع دوم «نست» که کشیده است، بلند به حساب می آید.

## ۲- آوردن فاعلاتن به جای فَعْلَتن

مطابق این اختیار وزنی، شاعر می تواند در رکن اول مصراع به جای «فَعْلَتن» از «فاعلاتن» استفاده کند.

البته دقت کنید که شاعر:

۱- نمی تواند در باقی رکن ها از این اختیار استفاده کند، فقط رکن اول

۲- نمی تواند بر عکس عمل کند. یعنی از «فاعلاتن» به جای «فاعلاتن» استفاده کند.

## نکته ۱:

گفتیم این اختیار، صرفاً در رکن اول اتفاق می افتد، بنابراین هر وزنی که با رکن «فاعلاتن» آغاز می شود می تواند این اختیار را داشته باشد، به استثنای یک وزن: «فاعلاتن مفاعِلن فَعْلَتن مفاعِلن»

## مثال ۱: گور فغان سفر کنند که من

## نتوانم که پایند توام

|     |          |         |          |         |          |         |          |          |          |          |
|-----|----------|---------|----------|---------|----------|---------|----------|----------|----------|----------|
| گو  | ر        | فی      | قان      | س       | ف        | ک       | ن        | د        | ک        | من       |
| -   | U        | -       | -        | U       | -        | U       | -        | U        | U        | -        |
| ن   | ت        | وا      | نم       | ک       | پا       | ی       | ب        | د        | ت        | ام       |
| U   | U        | -       | -        | U       | -        | U       | -        | U        | U        | -        |
| وزن | فَعْلَتن | مفاعِلن | فَعْلَتن | مفاعِلن | فَعْلَتن | مفاعِلن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن | فَعْلَتن |

## ۳- ابدال

لغت ابدال یعنی عوض و بدل کردن، تبدیل کردن. در اختیار وزنی ابدال، شاعر می تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم (UU)، یک هجای بلند (-) بیاورد. شما با یک نمونه از ابدال قبلاً آشنا شدید، بدون آن که اسم اختیارش را بدانید و گاهی در هجای آخر مصراع هایی که «فَعْلَتن» داشت از «فَعْلَتن» استفاده می کردید. دقت کنید که این نوعی از ابدال است. فَعْلَتن (UU) ← فَعْلَتن (-).

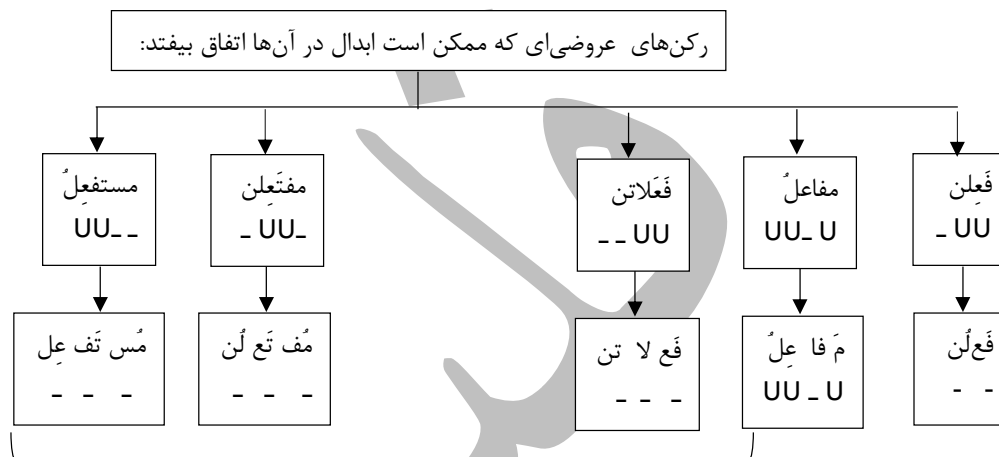
در هر رکن عروضی ای که دو هجای کوتاه کنار هم قرار داشته باشند، این اختیار می تواند اعمال شود و به جای آن دو هجای کوتاه، یک هجای بلند جایگزین گردد.

هشدار! عکس کاری که گفتیم صادق نیست؛ یعنی نمی توانیم به جای یک هجای بلند از دو هجای کوتاه استفاده کنیم.

پس راجع به اختیارات وزنی ۳ و ۲ این را به یاد داشته باشید که «فقط هجای بلند می‌تواند جایگزین هجای کوتاه شود.» (در اختیار شماره ۲، یک هجای بلند «فا» به جای یک هجای کوتاه «ف» و در اختیار ۳، یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه) هجای کوتاه نمی‌تواند جانشین هجای بلند شود «قد کوتاها همیشه مظلومن»

نکته ۲:

یکی از موارد مهم رخ دادن ابدال، رکن‌های عروضی‌ای هستند که دارای دو هجای کوتاه در کنار هم باشند، در بین ارکان عروضی‌ای که تاکنون با آن‌ها آشنا شده‌اید چه رکن‌هایی این ویژگی را دارند؟



هجاهای این سه رکن پس از ابدال به شکل یکسان (- -) درمی‌آیند. نام این رکن عروضی جدید را «مفعولن» می‌گذاریم.

توجه: وقتی از اختیار ابدال در مصراع استفاده می‌کنیم از تعداد هجاهای آن مصراع یکی که می‌شود (چون ۲ هجای کوتاه را با یک بلند جایگزین کرده‌ایم) در این حالت هم ملاک ما برای تعیین وزن عروضی، همان تعداد هجاهای بدون ابدال است. (یعنی عدد بزرگ‌تره) البته اگر تساوی مصراع‌ها به هم نخورد به این معنا نیست که ابدال وجود نداشته، شاید در هر دو مصراع ابدال باشد و مصراع‌ها از نظر تعداد هجاها برابر باشند. برویم سراغ چند مثال، به ارکانی که گفتیم ابدال در آنها اتفاق می‌افتد دقت کنید:

از غیب کشاد او کمین را

مثال: این گفتن بود و ناکهانی

|                                  |     |        |     |    |        |    |   |      |      |
|----------------------------------|-----|--------|-----|----|--------|----|---|------|------|
| پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی | این | گف     | تن  | بو | د      | نا | گ | ها   | نی   |
|                                  | -   | -      | -   | -  | U      | -  | U | -    | -    |
|                                  | از  | غی-    | ب گ | شا | د      | او | ک | مکین | را   |
|                                  | -   | -      | U U | -  | U      | -  | U | -    | -    |
| وزن                              |     | مستفعل |     |    | فاعلات |    |   |      | مستف |

### در حرم خدایگان کرد به جان مجاوری

### مثال: خاطر خاقانی از آن کعبه شناس شد که او

|                                     |                      |                         |                       |                      |
|-------------------------------------|----------------------|-------------------------|-----------------------|----------------------|
| پایه‌های آوایی و<br>نشانه‌های هجایی | خا ط ر خا<br>- U U - | فَا نِی *<br>- U -<br>U | کع ب ش نا<br>- U U -  | س شد ک او<br>U - U - |
| وزن                                 | مفتعلن               | مفتعلن                  | مفتعلن                | مفاعِلن              |
| پایه‌های آوایی و<br>نشانه‌های هجایی | در ح ر م<br>- U U -  | خ دا ی گان<br>U - U -   | کر د ب جان<br>- U U - | م جا و ری<br>U - U - |
| وزن                                 | مفتعلن               | مفاعِلن                 | مفتعلن                | مفاعِلن              |

\* هجای «نی» در خاقانی تغییر مصوّت بلند به کوتاه دارد.

وزن شعر «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعِلن» است، اما ملاحظه می‌کنید در رکن دوم مصراع اول با عوض شدن جای هجای بلند و کوتاه، رکن از «مفاعِلن» به «مفتعلن» تغییر یافته است.

کاربرد این قابلیت وزنی به نسبت باقی اختیارات شعری کم‌تر است.

این اختیار شاعری معمولاً در وزن‌های دوری (مفتعلن فاعِلن مفتعلن فاعِلن) و (مفتعلن مفتعلن مفاعِلن مفاعِلن) روی می‌دهد.

## شعر در وزن نیمایی و نام گذاری وزن ها (درس ۱۱)

شعرهایی که تا کنون در مباحث عروضی بررسی می‌کردیم، در هر بیت، دو پایه یا مصراع داشتند که مانند کفه‌های ترازو با یکدیگر کاملاً برابر بودند و نشانه‌هایی هجایی و وزن یکسان داشتند.

نیما برای رهایی از محدودیت‌های عروضی، قید تساوی هجاهای شعر را برداشت تا دست شاعر در سرودن شعر باز باشد، بدون آن که از زیبایی موسیقایی وزن قدیم کاسته شود.

در شعر نیمایی، طول مصراع‌ها لزوماً با هم برابر نیست، اما ارکان عروضی سازنده تمام مصراع‌ها با هم یکسان‌اند؛

مثال: به شعر زیر و جدول تقطیع آن دقت کنید:

«خانه‌ام ابری است

یکسره روی زمین ابری است با آن

از فراز گردنه خرد و خراب و مست

باد می‌پیچد

یکسره دنیا خراب از اوست

و حواس من»

| وزن                       | نشانه‌های هجایی         | مصراع‌های شعر           |
|---------------------------|-------------------------|-------------------------|
| (فاعلاتن فع)              | (- / - - U -)           | خانه‌ام ابری است        |
| (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) | (- U - / - U - / - U -) | یکسره روی زمین ابری است |

|                                |                                 |                              |
|--------------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| از فراز گردنه خرد و خراب و مست | (- U - / - U - / - U - / - U -) | (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع) |
| باد می پیچد                    | (- U - / - U -)                 | (فاعلاتن فع)                 |
| یکسره دنیا خراب از اوست        | (- U - / - U - / - U -)         | (فاعلاتن فاعلاتن فع)         |
| و حواس من                      | (- U - / - U -)                 | (فاعلاتن فع)                 |

توجه ۱: همان طور که در شعر سنتی، گاهی از رکن آخر، یک، دو یا سه هجا حذف می‌شد، در شعر نیمایی هم این امکان وجود دارد. همان طور که در بعضی مصراع‌های مثال صفحه قبل دیدید هجای پایانی مصراع «فع» بود:

فاعلاتن      فا      ع      لا      تن      فا      فع  
 ←      ←      ←      ←      ←      ←  
 - - U -      -      -      -      -      -

توجه ۲: کوتاه و بلند شدن مصراع‌های شعر، در بعضی قالب‌های در بعضی قالب‌های کهن شعر نیز وجود داشته است. برای مثال قالب مستزاد، که از لحاظ عروضی چنین شکلی دارد:

△△   △△△△  
 △△   △△△△

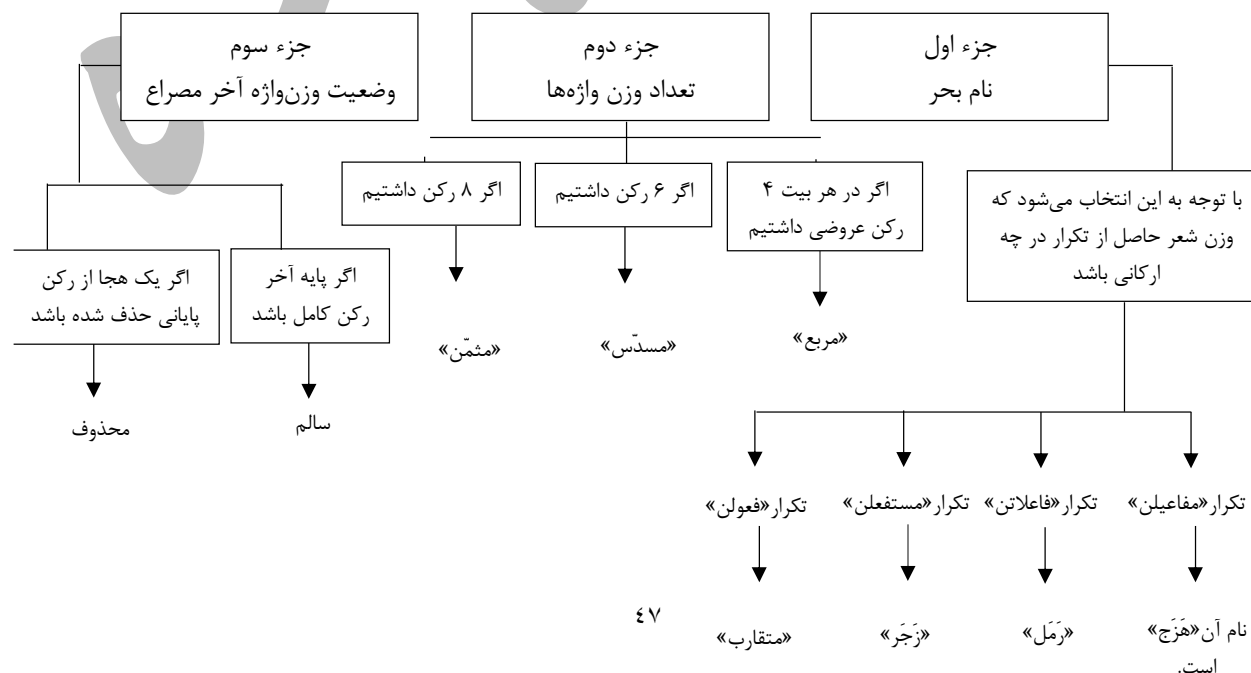
نمونه‌ای از قالب مستزاد:

گیرم که زمال و زر کسی قارون شد      مرگ است ز پی  
 یا آن که به علم و دانش افلاطون شد      کو حاصل وی؟  
 اندوخته‌ام ز کف همه بیرون شد      کو ناله نی؟  
 ز اندیشه کونین دلم پر خون شد      کو ساغر می

توجه ۳: در شعر نیمایی نیز مانند شعر سنتی، انواع اوزان همسان، همسان دولختی و ناهمسان وجود دارد.

## نام‌گذاری وزن‌ها

تا به حال در درس‌های عروض با وزن‌های مختلفی آشنا شده‌اید. در عروض سنتی روی هر کدام از این وزن‌ها اسمی گذاشته بودند. این اسامی ۳ جزء داشتند که مبنای اسم گذاری هر یک از اجزاء مطابق این شکل بود:



اگر چه واحد وزن شعر فارسی مصراع است، مطابق شیوه عروضی اعراب، برای نام گذاری وزن ها، بیت مبنای محاسبه قرار گرفته است که در عروض سنتی آن را «بحر» می نامند.

کوتاه ترین مصراع شعر سنتی فارسی دو رکن و بلندترین آن چهار رکن دارد؛ بنابراین بیت ها بین ۴ تا ۸ رکن خواهند داشت.

حتماً به یاد دارید که بسیاری از مواقع، یک یا چند هجا از رکن پایانی مصراع حذف می شود، اگر یک هجا حذف شود بیت را «محدوف» می نامند.

### مثال ۱: مرا می بینی و دردم زیادت می کنی هر دم تو را می بینم و میلیم زیادت می شود هر دم

|     |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |
|-----|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| مَ  | را      | می      | بی      | نی      | ی       | دَر     | دَم     | ز       | یا      | دَت     | می      | کُ      | نی      | هر      |
| U   | -       | -       | -       | U       | U       | -       | -       | U       | -       | -       | -       | U       | -       | -       |
| تُ  | را      | می      | بی      | ن       | م       | می      | کَم     | ز       | یا      | دَت     | می      | شَ      | وَد     | هَر     |
| U   | -       | -       | -       | U       | U       | -       | -       | U       | -       | -       | -       | U       | -       | -       |
| وزن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن | مفاعیلن |

نام وزن این بیت یا بحر «هزج مثنی سالم» است.

رکن پایانی کامل است.

دارای ۸ وزن واژه یا رکن عروضی در بیت است.

از تکرار «مفاعیلن» ساخته شده

### مثال ۲: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

|     |         |         |         |         |         |         |         |         |         |         |
|-----|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| سی  | ن       | خا      | هم      | شَر     | ح       | شَر     | ح       | از      | ف       | راق     |
| -   | U       | -       | -       | -       | U       | -       | U       | -       | U       | -       |
| تا  | ب       | گو      | یم      | شَر     | ح       | در      | د       | اش      | ت       | یاق     |
| -   | U       | -       | -       | -       | U       | -       | U       | -       | U       | -       |
| وزن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |

محدوف است.

مسدس

نام وزن این بیت «رمل»

یک هجا از آخر رکن پایانی مصراع ها حذف شده است. (فاعلاتن = فاعلن)

کل بین ۶ رکن دارد

تکرار رکن فاعلاتن



ابتدا به چگونگی ایجاد سبک بازگشت و عوامل موثر بر آن، تأسیس انجمن‌های ادبی و دسته‌بندی شاعران این سبک خواهیم پرداخت. سپس به سراغ دوره‌ای می‌رویم که از اواسط حکومت قاجار آغاز شده و تا امضای فرمان مشروطیت ادامه می‌یابد، یعنی دوره بیداری. وضعیت عمومی زبان و ادبیات این دوره را خواهیم شناخت و با ویژگی‌های شعر و نثر و شاعران و نویسندگان مهم آن آشنا خواهیم شد.

حواست حسابی به تیترا و دسته‌بندی مطالب باشه، خصوصاً تو بخش مربوط به دوره بیداری که توش هم حرف از شعر و ویژگی‌های شعری زده شده، هم نثر و ویژگی‌های نثری. قبلاً گفتیم که تو درسای تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی حواست باید به چه چیزایی باشه، این جا هم با همون فرمون برو جلو، ویژگی‌های شعر و نثر هر دوره، طبقه‌بندی‌ها، بخش‌هایی که رنگی شده و ...

## دوره بازگشت

محدوده تاریخی: از انقراض دولت صفویه تا آغاز سلطنت فتحعلی شاه قاجار (دوران افشاریه، زندیه و ابتدای قاجاریه)

ویژگی‌های عمومی شعر و ادبیات این دوره:

۱. رشد و شکوفایی قابل توجهی در ادبیات دیده نمی‌شود.
  ۲. شاعران از سبک هندی رو برگرداندند (البته تأثیرهایی از سبک هندی و مکتب وقوع در آثار شاعران این دوره دیده می‌شود).
- انجمن ادبی اصفهان: در زمان نادرشاه و کریم خان زند ← مشتاق اصفهانی با همراهی چند تن دیگر از ادیبان، آن را اداره می‌کرد. با روی کار آمدن سلسله قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران، بازگشت به شیوه و الگوی گذشتگان در ادبیات پرونق‌تر از گذشته بود.
- انجمن ادبی نشاط ← توسط عبدالوهاب نشاط تأسیس شد.
- انجمن ادبی خاقان ← پس از تشکیل انجمن ادبی نشاط و به ریاست فتحعلی شاه در تهران تأسیس شد.
- هدف انجمن ادبی خاقان: رهایی شعر فارسی از تباهی و انحطاط اواخر دوره صفوی و دوره‌های بعد از آن بود؛ اما برای رسیدن به این هدف، فقط از آثار پیشینیان تقلید کردند و به همین خاطر، شعر را به دوران گذشته بازگرداندند و موجب پیدایش «سبک بازگشت» شدند.
- سبک بازگشت: حدّ وسط سبک هندی و سبک دوره بعد یعنی دوره بیداری.

### عوامل موثر در ایجاد نهضت بازگشت ادبی:

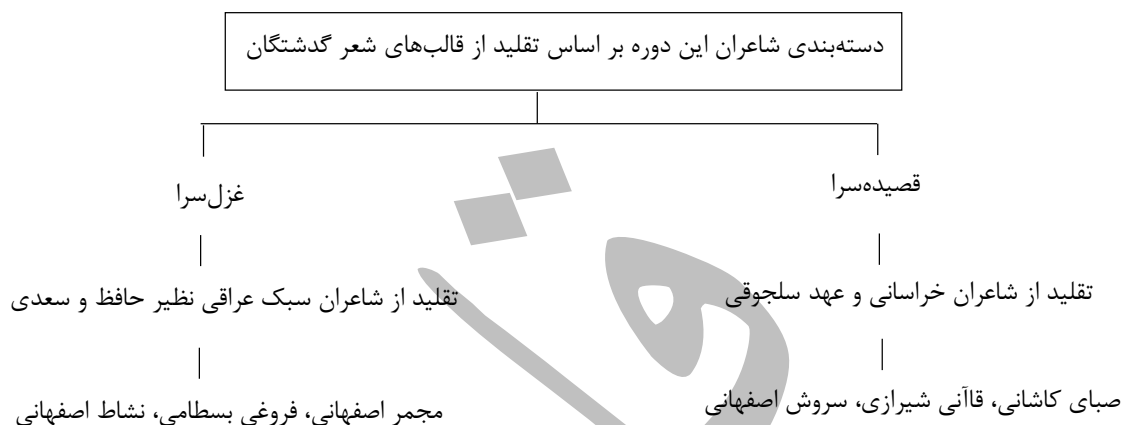
۱. غارت کتابخانه اصفهان (قرار گرفتن برخی کتب کتابخانه سلطنتی در اختیار مردم و در نتیجه برقراری ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن)
۲. توجه به ادبیات در دربار قاجاریه و رونق بازار شعر و شاعری و مدح شاهان
۳. ضعیف شدن جامعه در اثر شکست ایران از روسیه تزاری

### دلایل پیروی شاعران این دوره از اسلوب‌های کهن:

۱. فقر فرهنگی جامعه
۲. سستی و رخوت حاکم بر ادبیات

## سبک‌هایی که شاعران این دوره از آن‌ها تقلید کرده‌اند:

خراسانی و عراقی (شاعران این دوره سه سطح زبانی، ادبی و فکری این دو سبک را مورد توجه قرار دادند و زبان، تخیل و اندیشه در سبک بازگشت، تکرار شنیده‌هاست).



دلیل اهمیت شاعران این دوره موجب نوآوری و تکامل شعر فارسی نشدند، اما به دلیل نجات زبان فارسی از حالت سستی که اواخر سبک هندی ایجاد شده بود، اهمیت دارند.

اگر نهضت بازگشت برپا نمی‌شد، چه بسا زبان فاخر شعر فارسی دچار ضعف و سستی بیشتری می‌شد.

برخی از شاعران دوره بازگشت

| شاعر                         | آثار                                                                                                                                                       | ویژگی‌ها                                                                                                                                                                                                                                               | نمونه شعر                                                                                                       |
|------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| هاتف اصفهانی                 | دیوان اشعار                                                                                                                                                | از معروف‌ترین شاعران دوره بازگشت                                                                                                                                                                                                                       | -                                                                                                               |
| فتحعلی خان صبای کاشانی       | - دیوان اشعار<br>- گلشن صبا (در قالب مثنوی و به تقلید از بوستان سعدی)<br>- خداوندنامه (حماسه‌های مذهبی در بیان معجزات پیامبر (ص) و دلیری-های حضرت علی (ع)) | - پرچمدار بازگشت ادبی و شاخص-ترین شاعر این دوره<br>- جزء آن دسته از شاعران دوره بازگشت ادبی است که «به قصیده-سرایی به سبک شاعران عهد خراسانی و سلجوقی پرداختند»                                                                                        | «به نام خداوند بینش‌نگار<br>خردآفرین، افرینش‌نگار»                                                              |
| میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی | گنجینه نشاط (شامل آثار منظوم و منثور او)                                                                                                                   | - جزء آن دسته از شاعران دوره بازگشت ادبی است که «به غزل-سرایی به سبک «حافظ»، «سعدی» و دیگر شاعران سبک عراقی پرداختند»<br>- در نظم و نثر فارسی مهارت داشت<br>- هر چند قصایدی بلند دارد اما از نظر غزل‌سرایی، در بین هم‌روزگاران خود تا حدی کم‌نظیر است. | سرآغاز یکی از سروده‌های او:<br>«هوای خود چو نهادم، رضای او چو گزیدم<br>جهان و هر چه در او جز به کام خویش ندیدم» |

## دوره بیداری

محدوده تاریخی: از اواسط دوره قاجار تا امضای فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ هـ.ق)

### عوامل مقدماتی در شکل‌گیری دوره بیداری:

۱. از اواسط دوره قاجار شعرای دوره بازگشت به نقد شرایط موجود پرداختند.
  ۲. موضوعات جدید در جامعه و ادبیات پیش آمد که گویای اوضاع سیاسی یا اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. (ادبیات پایداری و مشروطه)
  ۳. اصطلاحات و لغات غربی به شعر وارد شد.
  ۴. شعر دوباره به میان مردم آمد. شاعران خود را وقف مردم کردند و زبان محاوره را خریدن (نهضت ساده‌نویسی) شعر بیشتر بیان واقعیات از طریق روزنامه و مطبوعات بود.
- عوامل بیان شده، کشور را به سوی تحولاتی بزرگ سوق داد که رو به نوگرایی داشت و سبب شد حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری در ایران شکل بگیرد که در نهایت در سال ۱۳۲۴ هـ.ق به صدور فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه قاجار انجامید.

### وضعیت عمومی زبان و ادبیات دوره بیداری

چگونگی پیدایش ادبیات بیداری در ایران:

در این دوره شاعران آزادی‌خواه و گروهی از روشنفکران مثل ملک‌الشعرای بهار، نسیم شمال، میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف میرزا آقاخان کرمانی با وجود مخالفت دولت به نقد شرایط موجود جامعه پرداختند؛ در نتیجه فصل جدیدی در ادبیات فارسی پدید آمد. به این نوع از ادبیات که بیانگر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن روزگار است «ادبیات بیداری» یا «ادبیات مشروطه» می‌گویند.

### مفاهیم موجود در دوره بیداری

مفاهیم اصلی، نو و تازه

- ❖ آزادی
- ❖ وطن
- ❖ قانون‌خواهی

مفاهیم فرعی

- ❖ حقوق اجتماعی
- ❖ برانگیختن احساسات ملی و میهنی
- ❖ توجه به فراگیری علوم جدید
- ❖ پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی
- ❖ انتقاد از نابسامانی‌ها
- ❖ نفی عقاید خرافی در جامعه
- ❖ سخن گفتن از حقوق زنان

## شعر دوره بیداری

ادبیات این دوره به ویژه شعر برای ارتباط بهتر با توده مردم زبان محاوره را برگزید تا قابل فهم‌تر باشد و مفاهیم جدید را با زبانی ساده منتقل کند. به این ترتیب نهضت ساده‌نویسی همراه با نهضت آزادی‌خواهی شکل گرفت و نویسندگان و شاعران مظاهر استبداد و استعمار را نقد می‌کردند و برای بیان دیدگاه خود زبان ادبی را انتخاب کردند.

## دیدگاه شاعران این دوره درباره شعر

از نظر آنان، شعر، بیان هنرمندانه واقعیات و وسیله‌ای برای بهبود زندگی بود که از طریق روزنامه‌ها و مطبوعات در اختیار مردم قرار می‌گرفت.

## مراکز مهم سیاسی و مطبوعاتی ایران در عصر بیداری به ترتیب اهمیت:

۱. تهران؛ به دلیل تمرکز عمده فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در تهران، شعر و ادب هم در پایتخت جلوه بیشتری داشت؛ حتی روزنامه نسیم شمال را که سید اشرف‌الدین گیلانی در رشت منتشر می‌کرد، مردم تهران را بیشتر می‌خواندند.
۲. تبریز؛ بعد از تهران، این شهر هم از بازار سیاسی و مطبوعاتی پررونقی برخوردار بود.

## برخی از شاعران دوره بیداری

| شاعر                         | آثار                                                                                                                            | ویژگی‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | نمونه شعر                                                            |
|------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|
| محمّد تقی بهار<br>ملک الشعرا | - شعر: دیوان اشعار<br>- پژوهش: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، سبک‌شناسی، تاریخ تطوّر نظم فارسی، تصحیح‌های ارزشمند و مقالات علمی | - علاوه بر آشنایی عمیق با زبان فارسی ادبیات کهن، از مسائل روز جامعه نیز آگاه بود.<br>- این آگاهی و توانمندی را در خدمت آزادی و وطن‌خواهی درآورد.<br>زبان و سبک شعر: زبان حماسی و سبک خراسانی<br>- حوزه‌های فعالیت: تحقیق، تدریس در دانشگاه، سیاست روزنامه‌نویسی                                                                               | من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید<br>قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید |
| ادیب‌الممالک<br>فراهانی      | دیوان اشعار شامل قصاید، ترجیع‌بند و مسمط                                                                                        | - نام اصلی: میرزا محمدصادق امیری فراهانی<br>- بعدها از جانب مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب شد.<br>- فعالیت اصلی‌اش: روزنامه‌نگاری<br>- شعر او از زندگی سیاسی او جدا نبود و دیوان او بسیاری از حوادث و اوضاع آن روزگار را بیان می‌کند.<br>- در قصیده بیشتر از قالب‌های دیگر طبع آزمایی کرده است.<br>- مضامین شعر او: وطنی، سیاسی و اجتماعی | از اشعار او:<br>جنگ ننگ است در شریعت من<br>جز پی پاس دین و حفظ وطن   |

|                       |                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |                                                                                                                                                  |
|-----------------------|-------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سید اشرف-الدین گیلانی | روزنامه نسیم شمال | <p>- مشهور به «نسیم شمال»</p> <p>- با شعرهای ساده و عامیانه‌اش در بین مردم جایگاه مناسبی پیدا کرد.</p> <p>- زبان شعر او: ساده و طنزآمیز</p> <p>- مضامین اشعار او: مبارزه با استبداد، عشق به وطن</p> <p>- اشعار او که در روزنامه نسیم شمال چاپ می‌شد در بیداری مردم بسیار موثر بود.</p>                                                                                                 | <p>شعر «ای قلم» با مطلع زیر از جمله اشعار انتقادی اوست:</p> <p>غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم<br/>خوش حمایت می‌کنی از شرع قرآن<br/>ای قلم</p> |
| شاعر                  | آثار              | ویژگی‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | نمونه شعر                                                                                                                                        |
| ایرج میرزا            | دیوان اشعار       | <p>- در به کارگیری تعبیرات عامیانه و آفریدن اشعار ساده و روان مهارت داشت.</p> <p>- در طنز، هجو و هزل چیره‌دست بود.</p> <p>- با وجود اندیشه‌های نوگرایانه، به دلیل جایگاه خانوادگی (از نوادگان فتحعلی شاه قاجار) و تفکرات شخصی‌اش، وی را در ردیف شاعران آزادی‌خواه مشروطه قرار نمی‌دهند.</p> <p>- او ترجمه‌هایی منظوم از شعرهای غربی پدید آورده که در نوع خود ابتکاری محسوب می‌شود.</p> | <p>قطعه «قلب مادر» با مطلع زیر یکی از شعرهای اوست:</p> <p>داد معشوقه به عاشق پیغام<br/>که کند مادر تو با من جنگ</p>                              |
| عارف قزوینی           | دیوان اشعار       | <p>- شاعر وطنی و موسیقی‌دان دوره مشروطه</p> <p>- عرصه هنر او تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی‌ای بود که در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی بسیار موثر بود.</p> <p>- زبان شعر: ساده و به دور از پیچیدگی</p> <p>- مضامین اشعار او: وطن‌دوستی و ستیز با نادانی</p> <p>- شور و سوز اشعارش، که آن‌ها را با آوازی پرشور می‌خواند نشان‌دهنده دردمندی و عشق او به میهن است.</p>                         | <p>بیتی از تصنیف معروف او:</p> <p>از خون جوانان وطن لاله دمیده</p> <p>از ماتم سرو قدشان سرو خمیده</p>                                            |

|            |             |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                                                                                                                      |
|------------|-------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فرّخی یزدی | دیوان اشعار | <p>- از شاعران شاخص دوره بیداری است.</p> <p>- به خاطر آزادی خواهی به زندان افتاد.</p> <p>- تحت تأثیر شاعران گذشته به خصوص مسعود سعد و سعدی بود و آشنایی با سعدی طبع وی را شکوفا ساخت.</p> <p>- با این که در دوره هفتم مجلس نماینده مردم یزد شد ولی دست از اندیشه های پرشور آزادی خواهانه و وطن دوستانه دست برنداشت و در نهایت در این راه کشته شد.</p> | <p>بیت زیر آغاز یکی از سروده های اوست:</p> <p>آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی</p> |
|------------|-------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

| شاعر                      | آثار                                                                                                      | ویژگی ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | نمونه شعر                                                                           |
|---------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| سید محمد رضا میرزاده عشقی | <p>- دیوان اشعار</p> <p>- «ایده آل» یا «سه تابلوی مریم» (نمایش نامه منظوم)</p> <p>- روزنامه قرن بیستم</p> | <p>- شاعر، روزنامه نگار، نمایش نامه نویس و نظریه پرداز دوره مشروطه (دوره بیداری)</p> <p>- در روزنامه اش، «قرن بیستم»، به افشاگری اعمال پلید و مقاصد شوم رجال خائن عصر خود می پرداخت.</p> <p>- به دلیل جسارت و بی پروایی در بیان اندیشه های سیاسی و اجتماعی و وطن پرستانه خود، پیش از آن که به اوج شکوفایی برسد به دست «رضاخان» ترور شد.</p> <p>- مهم ترین اثر او: «ایده آل» یا «سه تابلوی مریم» که یک نمایش نامه منظوم است.</p> | <p>گر این چنین به خاک وطن، شب سحر کنم</p> <p>خاک وطن چو رفت، چه خاکی به سر کنم؟</p> |

### نثر فارسی در قرن های ۱۲ و ۱۳ (دوره بیداری)

دگرگونی های نثر این دوره

- ❖ رواج و گسترش روزنامه نگاری
- ❖ روی آوردن به ترجمه و ادبیات داستانی بر اثر اتباط با ادبیات اروپا
- ❖ تغییر مخاطبان نوشته ها

پیشگامان نثر ساده این دوره: قائم مقام فراهانی، علّامه دهخدا، زین العابدین مراغه ای، عبدالرحیم طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، ناصرالدین شاه قاجار

## موضوعات و حوزه‌های ادبی نثر دوره مشروطه

### روزنامه‌نگاری:

در سال‌های اول مشروطه اغلب نویسندگان مطالب خود را در قالب مقاله در روزنامه‌ها منتشر می‌کردند. در روزنامه‌های پرشمار این دوره مطالب سیاسی، اجتماعی، و گاه علمی نوشته می‌شد.

### مهم‌ترین روزنامه‌ها و مجله‌های این دوره

#### صوراسرافیل:

با مدیریت میرزا جهانگیرخان، منتشر می‌شد.

#### نسیم شمال:

با مدیریت و نویسندگی سید اشرف الدین گیلانی انتشار یافت.

با لحن طنزآمیز و انتقادی مسائل سیاسی و اجتماعی را بیان می‌کرد.

#### بهار:

مجله و نشریه ادبی محسوب می‌شد که به وسیله میرزا یوسف‌خان اعتصامی آشتیانی (پدر پروین اعتصامی) منتشر شد.

#### دانشکده - نوبهار:

با مدیریت ملک‌الشعرای بهار منتشر شدند. (این دو پس از نشریه «بهار» به عرصه ظهور رسیدند.

ضمناً در بخش‌های قبلی همین درس، با روزنامه «قرن بیستم» از میرزاده عشقی هم آشنا شدید که جزء روزنامه‌های مهم عصر بیداری است.

### داستان نویسی

داستان‌نویسی به شیوه جدید (رمان‌نویسی) در ادبیات کلاسیک (سنتی) فارسی سابقه ندارد و این نوع ادبی، محصول یک قرن گذشته است.

رمان‌نویسان پیش از انقلاب مشروطه: نوشتن رمان به مفهوم امروزی را از طریق رمان‌های تاریخی غربی آغاز کردند.

رمان‌نویسان عصر مشروطه: رویکرد آنان بیشتر به نگارش رمان‌های تاریخی بود.

### دلایل عمده توجه نویسندگان عصر مشروطه به رمان‌های تاریخی و اجتماعی

- نوعی باستان‌گرایی و روحیه کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته میان نویسندگان عصر مشروطه حاکم بود.
- به دلیل سیاست‌های موجود در جامعه، نوشتن رمان‌های تاریخی و اجتماعی سطحی در مقایسه با کارهایی مثل روزنامه‌نویسی و نوشتن رمان سیاسی در سر کمتری داشت.

در دوره مشروطه جز تعداد اندکی رمان تاریخی، رمان دیگری نوشته نشد.

| مهم‌ترین رمان‌نویسان عصر مشروطه |                                       |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| نام نویسنده                     | نام اثر                               |
| محمدباقر میرزا خسروی            | - شمس و طغرا                          |
| میرزا حسن خان بدیع              | - شمس‌الدین و قوام<br>- داستان باستان |

#### نمایش‌نامه نویسی

نمایش‌نامه نویسی نوع ادب جدیدی است و با این شکل غربی‌اش در ادب کهن ایران سابقه‌ای ندارد. دوره رواج نمایش‌نامه نویسی در دوره ناصرالدین شاه هم‌زمان با رفت و آمد ایرانیان به اروپا رواج یافت. اولین نمایش‌نامه نویس فارسی، میرزا آقا تبریزی بود. وی چند نمایش‌نامه کوتاه تألیف کرد. این نمایش‌نامه‌ها به خاطر انتشار بخشی از آن‌ها در ابتدای مشروطه، تنها نمون ادبیات نمایشی در این دوره به شمار می‌روند و زبان آن‌ها مانند نثر داستانی قبل از مشروطه روان، بی‌تکلف و عوام‌فهم است.

#### ترجمه

فن ترجمه، از عوامل موثر در رشد آگاهی و تحوّل اندیشه ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود. شروع ترجمه آثار اروپایی: با ایجاد چاپخانه در زمان فتحعلی شاه یکی از مهم‌ترین آثار ترجمه شده در این دوره: سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه، ترجمه حبیب اصفهانی تحقیقات ادبی و تاریخی

در این دوره اهل قلم بیشتر به روزنامه‌نویسی و موضوعات دیگر مشغول بودند؛ بنابراین تحقیقات ادبی و تاریخی جاذبه‌ای نداشت. تنها اثر قابل توجه در این حوزه: تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی، موضوع آن تاریخ مشروطه است.

#### برخی از نویسندگان دوره بیداری

| نویسنده              | نام اثر                 | ویژگی‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | نمونه نثر                                                                                                                                                                                                                                                        |
|----------------------|-------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قائم مقام<br>فراهانی | منشآت (مهم‌ترین اثر او) | - از معروف‌ترین نویسندگان<br>وسپاستمداران بزرگ این دوره است.<br>- قبل از وی، سبک نویسندگان<br>فارسی با تکلف و تصنع همراه بود. او با<br>تغییر سبک نگارش، تکلف را در نثر از<br>بین برد.<br>- مسائل عصر خود را با زبان و<br>اصطلاحات رایج و آمیخته به شعر<br>و ضرب‌المثل‌های لطیف به سبک<br>گلستان سعدی، نوشت و با این کار<br>باعث اقبال و توجه عامه مردم به نثر<br>شد.<br>- عبارات کوتاه او نیز گاهی موزون و<br>مستجع هستند | «مخدوم مهربان من، از آن زمان که<br>رشته مراودت حضوری گسسته و<br>شیشه شکیبایی از سنگ تفرقه و<br>دوری شکسته، اکنون مدت دو سال<br>افزون است که نه از آن طرف بریدی و<br>سلامی نه از این جانب قاصدی و<br>پیامی، طایر مکاتبات را پر بسته و کلبه<br>مراودت در بسته ...» |

|                               |                                                                                                                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|-------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|                               |                                                                                                                                                                                                                                                                | - او احیاکننده نثر فارسی است.                                                                                                                                                                                                                                                              |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
| عَلَّامه<br>علی اکبر<br>دهخدا | - چرند و پرند<br>- روزنامه صوراسرافیل (این روزنامه به همت میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و همکاری دهخدا چاپ می شد)<br>- روزنامه سروش (در استانبول چاپ می شد.)<br>- لغت نامه (حاصل پژوهش های او در فرهنگ نویسی و مفصل ترین کتاب لغت و زبان فارسی)<br>- امثال و حکم | - از پیشگامان نثر جدید فارسی است.<br>- شعر نیز می سرود.<br>- چرند و پرند، عنوان مجموعه نوشته های طنزآمیز سیاسی-اجتماعی اوست که در روزنامه صور اسرافیل چاپ می شد.<br>- او در رواج نثر ساده و عامیانه نقش موثری داشت.<br>- نثر ساده بعدها در داستان های محمدعلی جمال زاده و صادق به کار رفت. | ننه، هان! این زمین روی چیه؟ روی شاخ گاو، گاو روی چیه؟ روی ماهی، ماهی روی چیه؟ وای وای! الهی روده- ات ببره، چه قدر حرف می زنی؟! حوصلم سر رفت! آفتابه لگن شش- دست، شام و ناهار هیچی! گفت نخور، عسل و خربزه با هم نمی سازند! نشنید و خورد. یک ساعت دیگر یارو را دید، مثل مار به خودش می پیچید. گفت: نگفتم نخور؟ این دوتا با هم نمی سازند. گفت: حالا که این دوتا با هم ساخته- اند که من یکی را از میان بردارند...» |

### سبک شناسی قرن های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)

درس چهارم، یک درس طبق بندی شده و منظم است. در این درس، سبک شناسی دوره بیداری به صورت زیر بررسی می شود:

۱. حوزه شعر

۲. حوزه نثر

۱- سطح زبانی ← کاربرد واژه

۲- سطح ادبی ← قالب های شعری، آرایه های ادبی، موسیقی شعر و عروض

۳- سطح فکری ← مفاهیم و درون مایه های کلی

یادت باشه! علاوه بر حفظ کردن سطح های زبانی، و فکری اونها رو تو نمونه های درس و کارگاه تحلیل فصل هم کار کنی.

### سبک شناسی دوره بیداری

#### الف) سبک شعر دوره بیداری

| سطح زبانی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | سطح ادبی                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | سطح فکری                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سادگی و روانی زبان شعر (شعر این دوره به دلیل موقعیت اجتماعی و انقلابی، برای مردم قابل فهم است).<br>استفاده شاعران از زبان محاوره ای مناسب با زبان و فهم مردم عادی (دلیل این مسئله توجه شاعران به مردم و استفاده از شعر برای آگاه سازی آنان بود).<br>عمومیت یافتن شعر و قرار گرفتن آن در اختیار روزنامه ها به عنوان زبان برنده نهضت | قالب های شعری:<br>- قالب های شعر در این دوره مانند گذشته ادامه یافت و تغییر چندانی نداشت.<br>- به قالب های قصیده و مثنوی در شعرهای ملک الشعرای بهار و ادیب الممالک فراهانی بیشتر توجه شد.<br>- شاعران که به زبان کوچه و بازار شعر می- سرودند، به قالب هایی مثل مستزاد، چهارپاره، ترانه و تصنیف رغبت کردند. | - شعر مشروطه همزمان با تغییرات زمانه از نظر درون مایه تحول چشمگیری داشت.<br>- به موازات حضور مردم در سیاست و اجتماع مضامین و اندیشه های تازه وارد شعر شد.<br>- نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون تغییر یافت و از کلی نگری و ذهنیت گرایی به جزئی نگری و عینیت گرایی روی آورد. |

|                                                                                                                                                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>- مضمون‌های کلی و ذهنی، مسائل اخلاقی، عارفانه سرایی و غزل‌گویی (که با ساخت فرهنگ ما هماهنگ بود) تا حدّ زیادی کارایی خود را از دست داد و مضامین سیاسی، اجتماعی و وطنی رونق یافت.</p> | <p>- گرایش به قالب‌های کم‌کاربرد یا نوین به تدریج زمینه را برای ظهور شعر نو فراهم کرد.</p> <p>آرایه‌های بیانی و بدیعی و سنت‌های ادبی</p> <p>- شاعرانی که به زبان مردم کوچه و بازار شعر می‌گفتند به آرایه‌های بیانی و بدیعی و سنت‌های ادبی کمتر پایبند بودند و شعر را ابزار بیان مقاصد و اهداف کنونی خود می‌دانستند.</p> <p>تخیل:</p> <p>شاعران این دوره، تخیلات سرایندگان پیشین را در نظر داشتند و گاهی با تأثیرپذیری از اوضاع اجتماعی، در عرصه تخیل نوآوری می‌کردند؛ مانند میرزاده عشقی</p> <p>موسیقی شعر و عروض:</p> <p>گروه سنت‌گرا به سنت‌های ادبی (موسیقی شعر و عروض) بسیار پایبند بودند.</p> <p>- گروهی که زبان مردم کوچه و بازار شعر می‌سرودند پایبندی کمتری به موسیقی و عروض داشتند.</p> | <p>مشروطه</p> <p>توجه به واژگان کهن در شعر بعضی از شاعران این دوره، مثل بادافره، خلیده، گلخن و ...</p> <p>گسترش دایره واژگان شعر و ورود واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی، روسی، فرانسوی و ترکی به خاطر ارتباط با اروپا و ظهور علوم و فنون جدید</p> <p>بی توجهی به زبان و بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌های شعری</p> <p>دسته‌بندی شاعران این دوره بر اساس زبان شعر:</p> <p>- گروهی که با آگاهی از سنت‌های ادبی به زمان پرمصلابت گذشته وفادار ماندند، مانند: ملک‌الشعرای بهار، و ادیب‌الممالک فراهانی.</p> <p>- گروهی که به زبان ساده کوچه و بازار و اصطلاحات موسیقی عامیانه و حتی واژه‌های فرنگی روی آوردند؛ مانند سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) و عارف قزوینی.</p> <p>علت بی‌توجهی شاعران عصر بیداری به زبان و بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها:</p> <p>۱- اغلب شاعران صرفاً به محتوا گرایش داشتند.</p> <p>۲- برخی از شعرا به ادبیات کهن تسلط نداشتند.</p> <p>۳- شاعران برای آگاه ساختن مردم و انتشار آثار در روزنامه‌ها به ناچار به شتاب شعر می‌سرودند.</p> |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

### شاخص‌ترین درون‌مایه‌های عصر بیداری

۱- آزادی: مفهوم آزادی در این دوره مترادف با مفهوم دموکراسی غربی و به این معنا است که مردم علاوه بر داشتن حقوق و آزادی‌های فردی در جامعه و سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود نیز دارا حق و اختیار هستند.

(آزادی در شعر دوره‌های قبل، معمولاً به معنای آزادی از قید مادیات و تعلق دنیوی یا آزادی از بند عشق بود.)

مردم در شعر این دوره دارای آزادی‌های فردی‌اند و در سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود، اختیار دارند.

۲- وطن: سرزمینی که مردم با مسترکات قومی، فرهنگی و زبانی در آن زندگی می‌کنند.

وطن سرایان این دوره: ملک اشعراى بهار، دهخدا، ادیب الممالک فراهانى

۳- **قانون:** مضمون قانون و قانون مداری بر اساس مشاهدات روشنفکران و اروپا رفتگان از ملتای متمدن و قانونمند در شعر و سخن یافت کنید. مضمون قانون و قانون مداری، بنیادی ترین تفکر و خواست مشروطه خواهان گردید.

۴- **توجه به مردم:** از بارزترین ویژگی ادبیات دوره بیداری است.

#### ۵- **تعلیم و تربیت جدید**

انعکاس خواست‌ها و علایق توده مردم

موضوعاتی که بیشتر مورد توجه شاعران قرار گرفت:

نیازها و کاستی‌های محرومان جامعه

دفاع از کارکران و ضعیفان

توجه بیشتر به جایگاه زنان در اجتماع

شاخص ترین شاعران این حوزه: ابوالقاسم لاهوتی، فرخی یزدی

دانش‌ها و فنون نوین: ضرورت‌های اجتماعی، و فرهنگی موجب توجه بیشتر به دانش‌ها و فنون نوین شد و شاعران هم در کنار دیگر روشنفکران به این موضوع پرداختند.

شاعران، مضامین و اصطلاحات و واژگان مربوط به دانش‌ها و فنون نوین را در اشعارشان به کار بردند.

محدوده تاریخی: از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا پدید آمدن مشروطیت

#### **تغییرات کلی این دوره نسبت به دوره قبل**

از لحاظ زبان، نثر فارسی به سمت سادگی و روانی رفت و لغات دشوار در آن کمتر شد.

نثر فارسی از زمان قائم مقام قزاقانی تا حدودی از پیچیدگی و دشواری فاصله گرفته بود.

از لحاظ درون مایه: درون مایه‌های سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه (یعنی آزادی خواهی، سنت شکنی و تجدّدخواهی) با لحنی آرام‌تر ادامه یافت.

| سطح فکری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | سطح ادبی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | سطح زبانی                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>عمده‌ترین محتوای همه انواع نثر این دوره، با هدف تأثیرگذاری بر مردم عبارت‌اند از: نوگرایی، تجدّدخواهی، آزادی طلبی</p> <p>علاوه بر محتواهای ذکر شده این موضوعات نیز در نثر مشروطه مورد توجه بود:</p> <p>- دشمنی با استعمار و استبداد ← در نثر روزنامه‌ای</p> <p>- تنقّر از خرافات ← در بسیاری از نثرهای این دوره خصوصاً نثر داستانی</p> <p>- حقوق مدنی زنان</p> <p>- تعلیم و تربیت نوین همگانی</p> <p>- طنز سیاسی اجتماعی یکی از شاخه‌های ارزنده نثر دوره مشروطه بود.</p> | <p>- رها شدن نثر از قید و بندهای نثر مصنوع و فنی (از این لحاظ، نثر فارسی از شعر فارسی پیش‌تازتر است).</p> <p>- گزارشی شدن و ساده شدن نثر</p> <p>- پرهیز از آرایه‌های ادبی در نثر</p> <p>- نثر: وسیله‌ای برای بیان خواست و آمال (آروزها) مردم</p> <p>- در اغلب داستان‌های مشروطه، راوی سوم شخص در بعضی از صحنه‌های داستان حضور یافته و با خواننده سخن می‌گوید. این تکنیک یکی از ضعف‌های نثر این دوره است که امروز کاربرد ندارد.</p> <p>- اغلب نویسندگان، مطابق ذوق و میل مردم عادی (عامّه) داستان می‌نوشتند و سبک نویسندگی آنها با ادبیات داستانی جدید مطابقت کاملی نداشت.</p> | <p>- ساده و قابل فهم بودن نثر</p> <p>- درست‌تر شدن ساختار و ترکیب دستوری جملات و هم‌آهنگ‌تر شدنشان با طبیعت زبان</p> <p>- کم‌تر شدن واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناآشنا</p> <p>- ورود بسیاری از لغات انگلیسی، ترکی، فرانسوی و ...</p> <p>- کاهش عبارت‌های وصفی دور و دراز و لفظ‌پردازی‌های بی جا در نامه‌ها و نوشته‌ها</p> |

### تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)

#### الف) دوره معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی

محدوده تاریخی: از ۱۳۰۴ هـ.ش تا ۱۳۵۷ هـ.ش

با آغاز قرن بیستم میلادی، تجدّد و نوگرایی در ابعاد زندگی ایرانیان از جمله شعر و نثر فارسی پدید آمد.

منظور از ادبیات معاصر، آثار ادبی است که پس از مشروطیت به وجود آمدند.

پیدایش شعر معاصر ایران و گسترش آن با سه رویداد تاریخی همراه بود:

- ۱- انقلاب مشروطیت
- ۲- پایان سلسله قاجار
- ۳- سلطنت رضاشاه

#### اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران پیش از انقلاب

دوره رضاشاه: پس از به قدرت رسیدن، مدرن کردن جامعه را سرلوحه همه برنامه‌هایش قرار داد ولی آن تحولات را با استبداد و ترساندن آزادی‌خواهان همراه کرد.

دوره محمدرضا شاه: همزمان با جنگ جهانی دوم، در شهریور ۱۳۲۰ هـ.ش به سلطنت رسید.

در آغاز با ایجاد آزادی‌های نسبی سیاسی و اجتماعی کوشید تا نظر روشنفکران را به خود جلب کند. همین امر سبب گسترش و تثبیت ادبیات شد، اما سیاست‌ها و رفتارهای نادرست او سبب انزوا و گوشه‌گیری بعضی از روشنفکران شد.

ویژگی ادبیات این دوره، توجه به نوآوری‌ها، اندیشه‌های باستان‌گرا و گرایش به شعرهای ترجمه‌ای

### ۱) شعر دوره معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی

شعر دوره معاصر را بیشتر با عنوان «شعر نو» می‌شناسیم.

پیشگامان شعر نو:

تقی رفعت، شمس کسمایی، ابوالقاسم لاهوتی، جعفر خامنه‌ای، نیما یوشیج

تصرف نیما در ماهیت شعر قدیم و ارائه ماهیتی نو از آن به تغییر در قالب شعر و ویژگی‌های سخن شاعران قدیم انجامید.

نیما یوشیج زبان، تخیل، احساس، معنی، فرم و ساختار شعر را متحول کرد.

گرچه ادبیات دوره معاصر را از زمان مشروطه تا زمان ما دانسته‌اند اما شروع واقعی شعر نو را باید از سال ۱۳۰۰ هـ.ش یعنی اندکی پیش از به سلطنت رسیدن رضاشاه بدانیم.

#### دوره اول: دوره سلطنت رضاخان از سال ۱۳۰۴ تا شهریور ۱۳۲۰:

دوره درخشش نیما

جدال بر سر شعر کهنه و نو

#### دوره دوم: از آغاز حکومت محمدرضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

فضای آزادتر سیاسی نسبت به دوره قبل

چاپ و نشر اشعار نیما و دیگر نوگرایان در بعضی از نشریات چون روزگار نو و مجله سخن

تشکیل اولین کنگره نویسندگان و شاعران ایران در تیرماه ۱۳۲۵ هـ.ش - این رخداد مهم‌ترین حادثه ادبی این دوره است.

نیما در این کنگره شعر «آی آدم‌ها» را خواند و پس از آن، شیوه نیما در کنار شعر سنتی رواج یافت.

#### دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

این نوع شعر که از دوره قبل شروع شده بود در این دوره از طرف حکومت تقویت شد.

این جریان، در دهه ۱۳۲۰ تا اوایل ۱۳۳۰ از گسترده‌ترین جریان‌های ادبی زمان خود شد.

سرخوردگی و یأس روشنفکران و شاعران پس از کودتای ۲۸ مرداد

رواج سمبولیسم اجتماعی یا شعر نوی حماسی

شاعران این جریان به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات و آرمان‌های مردم توجه می‌کردند.

#### دوره چهارم: از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

دوره کمال جریان‌های ادبی دوره‌های پیشین محسوب می‌شود.

مبارزه، رنگ و مفهوم نو به خود گرفت.

فضای جامعه متشنج شد.

شعر، هم‌چنان اجتماعی و حماسی بود.

شاعران بهتر و هنری‌تر از گذشته به جوهر شعر دست یافتند.

مضمون شعر، بیش‌تر نقد اجتماعی است.

### معروف‌ترین شاعران دوره معاصر (این چهار دوره)

|                 |                   |                     |               |
|-----------------|-------------------|---------------------|---------------|
| پروین اعتصامی   | محمدحسین شهریار   | ناد نادرپور         | منوچهر شیبانی |
| فریدون تولّی    | نصرت رحمانی       | فروغ فرخزاد         | سیاوش کسرایی  |
| فریدون مشیری    | مهدی اخوان ثالث   | احمد شاملو          | حمید مصدّق    |
| اسماعیل شاهرودی | پرویز ناتل خانلری | محمدرضا شفیعی کدکنی | هوشنگ ابتهاج  |
| منوچهر آتشی     | مهدی حمیدی شیرازی |                     |               |

### معرفی چند تن از شاعران دوره معاصر

| شاعر          | آثار        | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | نمونه شعر                                                                                 |
|---------------|-------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| پروین اعتصامی | دیوان اشعار | <p>- نام: رخشنده اعتصامی معروف به پروین</p> <p>- پدر: یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، از فضایی زمان بود و در تربیت اخلاقی و ادبی پروین نقش مهمی داشت.</p> <p>- در قصیده به سبک ناصرخسرو و به لطافت و روانی سعدی شعر می‌سراید.</p> <p>- اوج سخن پروین در قطعات اوست.</p> <p>- در قطعات پیرو انوری و سنایی</p> <p>- بعضی از اشعار او به صورت مناظره میان دو انسان، جاندار یا شیء است.</p> <p>- دلیل تمایز شعر پروین از شعر دیگر شاعران معاصر: شکل تصرّف او در مضمون‌ها و کیفیت ارائه آن‌ها</p> <p>مضامین مورد توجّه پروین: مضامین اخلاقی، پند و اندرز همراه انعکاس اوضاع نامطلوب سیاسی - اجتماعی</p> | <p>در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست</p> <p>در آن وجود که دل مرده، مرده است روان</p> |

| شاعر       | آثار                                         | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | نمونه شعر                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|------------|----------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شهریار     | منظومه<br>حیدربابای سلام<br>دیوان اشعار      | <p>- نام: سید محمدحسن بهجت تبریزی</p> <p>- از بزرگ‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر</p> <p>- علاوه بر شعر فارسی، به ترکی آذری شعر سرود.</p> <p>- منظومه «حیدربابای سلام» از شاهکارهای شهریار در سروده‌های ترکی آذری اوست.</p> <p>- درون‌مایه منظومه حیدربابای سلام؛ یادآوری اصالت فرهنگی و زیبایی‌های روستای زادگاه شاعر</p> <p>- به بزرگان دین به ویژه حضرت علی (ع) ارادت داشت و چند شعر ارزنده با این مضمون سرود.</p> <p>- در غزل طبیعی لطیف و احساسی رقیق داشت.</p> <p>- از غزل‌سرایان نامی ایران، به ویژه «حافظ» تأثیر فراوان پذیرفته.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                     | <p>باز امشب ای ستاره تابان! نیامدی</p> <p>باز ای سپیده شب هجران! نیامیدی</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |
| نیما یوشیج | - دیوان اشعار<br>- شعر افسانه<br>- شعر ققنوس | <p>- نام: علی اسفندیاری</p> <p>- لقب: پدر شعر نو (بنیان‌گذار شعر نو) به خاطر نوآوری در شعر</p> <p>- او کوشید که شعر را به هنجار (شیوه) نثر و سادگی نزدیک کند و در قالب، زبان و مضمون آن تغییراتی ایجاد نماید</p> <p>- نیما در این مسیر از واژگان روزمره، عامیانه و نو بهره برد و از نوآوری و به کارگیری ترکیب‌های تازه هراسی نداشت.</p> <p>- منظومه «افسانه» را که به نوعی بیانیه شعر نو است در سال ۱۳۰۱ سرود.</p> <p>- ویژگی‌های شعر افسانه</p> <p>۱- تغییر جایگاه قافیه</p> <p>۲- نگاهی نو و نگارش عاطفی به واقعیات ملموس</p> <p>۳- سیر آزاد تخیل</p> <p>۴- نزدیکی به ادبیات نمایشی</p> <p>- تثبیت جریان نوگرایی شعری نیما: با شعر ققنوس در سال ۱۳۱۶ هـ.ش</p> <p>- عملکرد نیما در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶: تدوین چارچوب و طرح کار خود در تغییر شعر فارسی</p> <p>- دلیل تمایز نیما از دیگر نوگرایان: با برنامه بودن کار او</p> | <p>- سرآغاز منظومه افسانه او:</p> <p>در شب تیره دیوانه‌ای کاو<br/>دل به رنگی گریزان سپرده<br/>در دره سرد و خلوت نشسته<br/>همچو ساقه گیاهی فسرده<br/>می‌کند داستانی غم‌آور</p> <p>- سرآغاز شعر ققنوس</p> <p>ققنوس، مرغ خوشخوان، آوازه جهان / آواره مانده<br/>از وزش بادهای سرد / بر شاخ خیزران / بنشسته<br/>است فرد / بر گرد او به هر سر شاخی پرندگان / او<br/>ناله‌های گمشده ترکیب می‌کند ....</p> |

|                        |                                             | - مهم‌ترین کار نیما در شعر قفّوس:<br>۱- تغییر دادن اصول و ضوابط شعر سنتی<br>۲- تکامل بخشیدن به تجدد و نوگرایی که از مشروطه آغاز شده بود و به «افسانه» او رسیده بود.                                                                                                                                                                                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------------------------|---------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شاعر                   | آثار                                        | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | نمونه شعر                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| <b>مهدی اخوان ثالث</b> | - آخر شاهنامه<br>- زمستان<br>- از این اوستا | - یکی از موفق‌ترین رهروان شعر نیمایی<br>- ویژگی‌های شعر:<br>۱- شیوه بیان روایی و داستانی<br>۲- زبان حماسی<br>۳- کهن‌گرایی (باستان‌گرایی)<br>۴- کاربرد ترکیبات زیبا و خوش‌آهنگ<br>۵- به کارگیری بعضی از کاربردهای نحوی سبک خراسانی<br>- مضمون اشعار: اجتماعی (منعکس کننده حوادث زندگی مردم)<br>- در بیشتر مجموعه شعرها مثل «زمستان» زبان نمادین دارد. | قسمتی از شعر «زمستان»:<br>سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / سرها در گریبان است / کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن<br>و دیدار یاران را / نکه جز پیش پا را دید نتواند /<br>که ره تاریک و لغزان است / و گر دست محبت<br>سوی کس یازی / به اکراه آورد دست از بغل<br>بیرون / که سرما سخت سوزان است |

## ۲) نثر دوره معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی

### قالب‌های نثر این دوره:

ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی، سفرنامه و مقاله

نثر داستانی تحت تأثیر آثار ترجمه شده از زبان‌های اروپایی در دوره بیداری، به سادگی گرایید.

افرادی که زمینه‌های گرایش به رمان‌نویسی و نثر داستانی را در معنای نوین آن ایجاد کردند:

عبدالرحیم طالبوف، زین‌العابدین مراغه‌ای (با نوشتن سفرنامه‌های خیالی)

نخستین رمان تاریخی دوره بیداری: شمس و طغرا اثر محمدباقر میرزا خسروی

### اتفاقات مهم نویسندگی در سال ۱۳۰۱

۱- نخستین رمان اجتماعی: «تهران مخوف» به قلم مرتضی مشفق کاشانیپ

۲- اولین نثر داستانی معاصر: مجموعه داستان کوتاه «یکی بود یکی نبود» از سید محمدعلی جمال‌زاده

۳- اولین نمایش‌نامه: «جعفرخان از فرنگ برگشته» به قلم حسن مقدم

## دسته‌بندی نویسندگان این دوره

### گروه موسوم به نسل اول:

داستان‌نویسی نوین با این نویسندگان گسترش یافت.

صادق هدایت «سگ ولگرد»

بزرگ علوی «چشم‌هایش»

صادق چوبک «تنگسیر»

نویسندگانی که سبک آنان تلفیقی از آن چه خود داشتیم و آن چه از شیوه‌های غربی گرفتیم:

جلال آل احمد «مدیر مدرسه»

سیمین دانشور «سووشون»

تقی مدرسی

محمود اعتمادزاده

غلامحسین ساعدی

جمال میرصادقی

نویسندگان دوران مقاومت (مبارزات ملی شدن صنعت نفت و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲)

احمد محمود «همسایه‌ها»

علی محمد افغانی «شوهر آهو خانم»

هوشنگ گلشیری «بره گمشده راعی»

امین فقیری «دهکده برملا»

### ویژگی‌های نثر، رمان و داستان‌های بعد از خرداد ۱۳۴۲

- مضمون‌های رایج در رمان و داستان: مبارزه و پایداری
- روی آوردن به داستان کوتاه
- بهره‌گیری از زبان عامیانه (نویسندگی را برای بسیاری از طبقات جامعه آسان و نشر را آماده قبول افکار گوناگون کرد).
- ترجمه رمان‌ها و داستان‌های اروپایی (باعث شد نوشتن داستان به تدریج در زبان فارسی معمول شود).
- آشنایی با تحقیقات اروپاییان (باعث تغییر روش تاریخ‌نویسی و تحقیق در مسائل ادبی شد).
- حاکم بودن اضطراب سیاسی و ترس ناشی از برفرجامی و زندان بر اغلب داستان‌های این دوره

- ◀ ترجمه آثار داستانی آمریکای لاتین  
◀ کثرت و فراوانی تعداد نویسندگان

معروف‌ترین نویسندگان دوره معاصر تا پیش از انقلاب اسلامی

| نویسنده               | آثار                                                                                                                                                                                                                                                              | شرح حال                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|-----------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سید محمدعلی جمال‌زاده | <ul style="list-style-type: none"> <li>- مجموعه داستان «یکی بود یکی نبود»</li> <li>- راه آب‌نامه</li> <li>- تلخ و شیرین</li> </ul>                                                                                                                                | <ul style="list-style-type: none"> <li>- لقب: آغازگر داستان‌نویسی فارسی به شیوه نوین؛ با مجموعه داستان «یکی بود یکی نبود»</li> <li>- تولد و تحصیل: در خانواده روحانی در اصفهان به دنیا آمد و در تهران تحصیل کرد. پس از آن به کشورهای دیگری مثل لبنان، فرانسه و آلمان رفت.</li> <li>- ویژگی‌های نویسنده:</li> <li>- در داستان بیشتر از محتوا به سبک نویسندگی، کاربرد کلمات عامیانه و متداول در نثر توجه داشت.</li> <li>- او کلام و سخن را به طبع خوانندگان ایرانی نزدیک‌تر کرد و ادامه دهنده راه نویسندگانی مثل زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ و دهخدا در چرند و پرند است.</li> </ul> |
| جلال آل احمد          | <ul style="list-style-type: none"> <li>- زیارت (مجموعه داستان)</li> <li>- دید و بازدید (مجموعه داستان)</li> <li>- سه تار (مجموعه داستان)</li> <li>- مدیر مدرسه (آرمان)</li> <li>- خسی در میقات (سفرنامه حج)</li> <li>- ارزیابی شتاب زده (مجموعه مقاله)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تولد و تحصیل: در خانواده مذهبی متولد شد. در جوانی چند ماه را در شهر نجف درس طلبگی خواند.</li> <li>- فعالیت‌ها پس از بازگشت به ایران: به احزاب سیاسی پیوست، پس از آن به معلمی روی آورد و نویسندگی را جدی‌تر ادامه داد.</li> <li>- اولین داستان زیارت، که در مجله سخن چاپ شد.</li> <li>- مشهورترین اثر: مدیر مدرسه (داستان بلند)</li> <li>- مدیر مدرسه، نمونه نثر پرشتاب و بریده بریده آل احمد است. که از آن با عنوان نثر تلگرافی یاد می‌کنند.</li> <li>- حوزه‌های فعالیت نویسندگی او: داستان، سفرنامه، تئنگاری، مقاله انتقادی، ترجمه</li> </ul>               |
| سیمین دانشور          | <ul style="list-style-type: none"> <li>- آتش خاموش</li> <li>- سووشون</li> <li>- شهری چون بهشت</li> </ul>                                                                                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تولد و تحصیل: متولد شیراز/ دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران</li> <li>- شغل: سال‌ها در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد.</li> <li>- اولین تجربه داستان‌نویسی: آتش خاموش</li> <li>- اوج نویسندگی او: سووشون (مشهورترین اثر)</li> <li>- موضوع سووشون: دربرگیرنده داستان زندگی زری و یوسف و اوضاع اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم</li> <li>- همکاری با نشریات: مجله‌های نقش و نگار، کتاب ماه، کیهان، آرش</li> <li>- حوزه‌های فعالیت نویسندگی او: داستان‌نویسی، ترجمه داستان‌ها، ترجمه نمایش‌نامه‌های نویسندگان مشهور خارجی</li> </ul>               |

**(ب) دوره انقلاب اسلامی**

محدوده تاریخی: از ۱۳۵۷ به بعد

بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تلاش جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به استقلال و آزادی بیشتر شد تا سرانجام در بهمن ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید.

علت نام‌گذاری این دوره به نام ادبیات انقلاب اسلامی: هرچند تحولات ادبی همراه با دیگر تحولات زندگی مردم ایران سبب شکل گرفتن جریانی در تاریخ ادبیات فارسی شد که سرآغاز آن از سال‌های قبل از ۱۳۵۷ بود، اما به خاطر این که با پیروزی انقلاب تثبیت شد، آن را «ادبیات اسلامی» می‌نامند.

**(۱) شعر دوره انقلاب اسلامی**

وضعیت عمومی ادبیات در دوره پیدایش انقلاب اسلامی:

ایجاد دگرگونی در فضای فرهنگی و هنری جامعه (این تغییر در شعر این دوره کاملاً ملموس و محسوس است).

به وجود آمدن فضای تازه در شعر و نثر

به کار گرفتن اندیشه‌ها و مضامین مذهبی و عرفانی و موضوعاتی مانند جهاد، شهادت، ایثار، آزادی و عشق با باورهای سرچشمه گرفته از مکتب انقلابی و اسلامی

رشد طنز و انتقاد اجتماعی (استفاده از مضامین طنزآمیز در شعر)

مهم‌ترین موضوعات ادبیات این دوره: (این تغییرات به ویژه در شعر کاملاً محسوس هستند).

۱. طرح مضامین مذهبی و عرفانی
۲. به کارگیری موضوعاتی چون جهاد، شهادت، ایثار، آزادی و عشق
۳. ورود برخی مظاهر فرهنگ غربی

**درون‌مایه سروده‌ها و نوشته‌های ادبی این دوره**

محکوم کردن استبداد و بی‌عدالتی

ستایش آزادی و آزادی‌خواهان

ترسیم افق‌های امیدبخش پیروزی بر خلاف ادبیات ناامید و مأیوس قبل از انقلاب

تکریم شهید و فرهنگ شهادت با تکیه بر اسطوره‌های ملی و تاریخی

طرح اسوه‌های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام مثل پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و چهره‌های مبارزی چون حضرت امام خمینی (ره)

تأثیر واقعه عاشورا بر ادبیات انقلاب اسلامی: از نگاه شاعر و نویسنده این دوره، عاشورا تنها یک حادثه نیست بلکه یک فرهنگ است و لحظه لحظه انقلاب اسلامی با آن پیوند خورده است.

چون انقلاب اسلامی توانسته است در میان ملت‌های مسلمان جهان باعث بیداری و آگاهی شود، در آثار شاعران و نویسندگان این دوره رنج‌ها و محرومیت‌های ملت‌های مسلمان مثل فلسطین، لبنان و افغانستان دیده می‌شود.

## ویژگی‌های کلی شعر این دوره:

۱. طبع آزمایی هم در قالب‌های سنتی نظیر غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و هم قالب‌های نو مثل نیمایی و سپید
۲. تغییر زبان شعر این دوره؛ یعنی در آمیختن روح حماسی اشعار دوران مقاومت با عرفان

## جریان‌های ادبیات معاصر در عصر انقلاب

۱. جریان کمال یافته و پیشکسوت این دوره  
شاعران و نویسندگانی که پس از پیروزی انقلاب با ارزش‌ها و مفاهیم تازه‌ای که در زندگی اجتماعی شکل گرفته بود، هماهنگ شدند و شاخه نیرومندی این گروه با تکیه بر پشتوانه ادبی آن با ارزش‌های نوین تلفیق کردند.
  - حمید سبزواری
  - قیصر امین پور
  - سید علی موسوی گرمارودی
  - سید حسن حسینی
  - نصراله مردانی
۲. ادامه دهندگان جریان‌های ادبی قبل از انقلاب  
شاعران و نویسندگانی که بعد از انقلاب هم به همان روال گذشته در زمینه‌هایی که متأثر از ادبیات جهان بود به حیات خود ادامه دادند و هم‌زمان با انقلاب به تولید آثار ادبی ارزشمند ادامه دادند.
  - هوشنگ ابتهاج
  - حسین منزوی
  - علی محمد افغانی
  - محمود دولت آبادی
۳. شاخه جوان ادبیات پس از انقلاب  
این گروه کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کردند و چون به اصول انقلاب پایبند شدند و الفاظ، بن‌مایه‌ها و تصاویر شعری را از حال و هوای انقلاب و موضوعات و مفاهیم رایج آن دریافت کردند.
  - سلمان هراتی
  - علیرضا قزوه

## وقوع جنگ تحمیلی و تأثیر فرهنگ جنگ بر شعر این دوره

- ❖ عواطف دینی و ملی مردم تحریک شد و فرهنگ دفاع مقدس به شعر فارسی راه یافت.
- ❖ نگرش حماسی در زبان و محتوای شعر این دوره تأثیر گذاشت.
- ❖ موضوعاتی مثل مبارزه، دفاع، ایثار، شهادت، پایداری، شجاعت و میهن‌دوستی رایج شد.

## قالب‌های رایج در شعر انقلاب اسلامی

نیمایی: هر چند توجه به قالب نیمایی در سال‌های آغازین انقلاب در میان شاخه جوان کمرنگ بود، اما در ادامه جای خود را باز می‌کند و بدون این که مثل قالب‌های سنتی عمومیت پیدا کند، رایج‌تر می‌شود.

قالب‌های سنتی: غزل، دوبیتی، مثنوی، رباعی. علاوه بر این قالب‌ها، در ادامه توجه به چهارپاره، قصیده، ترکیب‌بند و بحر طویل هم دیده می‌شود.

## چند تن از شاعران این دوره

| شاعر و نویسنده     | آثار                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | شرح حال و نکات مهم ادبی                                                                                                                                                                                                                    |
|--------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قیصر امین پور      | <ul style="list-style-type: none"> <li>- با انتشار مجموعه شعر «در کوچه آفتاب» توانایی خود را در ادبیات انقلاب نشان داد.</li> <li>- با آثار زیر جایگاه خود را در شعر انقلاب تثبیت کرد.</li> <li>تنفس صبح</li> <li>منظومه ظهر روز دهم</li> <li>آینه‌های ناگهان</li> <li>دستور زبان عشق</li> <li>- آثار منشور:</li> <li>طوفان در پرائتز</li> <li>سنت و نوآوری در شعر معاصر</li> <li>بی بال پریدن</li> <li>آثار منظوم:</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- شاعر و نویسنده انقلاب</li> <li>- ویژگی او: نثر ساده، عمیق و عاطفی</li> </ul>                                                                                                                      |
| علی موسوی گرمارودی | <ul style="list-style-type: none"> <li>- صدای سبز</li> <li>- برآشتن گیسوی تاک</li> <li>- خواب ارغوانی</li> <li>- گوشواره عرش</li> </ul>                                                                                                                                                                                                                                                                                       | <ul style="list-style-type: none"> <li>- از پیش‌تازان شعر مذهبی قبل از انقلاب اسلامی بود و پس از انقلاب، به آرمان‌ها و اهداف انقلابی وفادار ماند.</li> <li>- مهارت: بیشتر در قالب‌های غزل و قصیده، اشعار سپید او قابل توجه‌اند.</li> </ul> |
| سلیمان هراتی       | <ul style="list-style-type: none"> <li>سه مجموعه شعر</li> <li>- از آسمان سبز (ویژه نوجوانان)</li> <li>- دری به خانه خورشید</li> <li>- از این ستاره تا آن ستاره (ویژه نوجوانان)</li> </ul>                                                                                                                                                                                                                                     | <ul style="list-style-type: none"> <li>- از شاعران نواندیش و معروف انقلاب بود.</li> <li>- شغل: معلم</li> <li>- درگذشت: در سال ۱۳۶۵، در سن جوانی در یک حادثه رانندگی</li> </ul>                                                             |

## ۲) نثر دوره انقلاب اسلامی

عمده‌ترین موضوع فعالیت در نثر این دوره داستان‌نویسی

در این دوره ادبیات داستانی با تجربه‌های تازه و کم سابقه در کنار دیگر مضمون‌های اجتماعی و فلسفی مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. مقایسه روند تکامل ادبیات داستانی با شعر این دوره: بر خلاف شعر این دوره، تکامل ادبیات داستانی به طور طبیعی رواج پیدا کرد و علاوه بر محتوا در فنون و سبک داستان نیز تغییراتی اتفاق افتاد.

## ویژگی‌های نثر فارسی در دهه ۶۰

داستان‌نویسی به طور طبیعی روند تکامل و رشد خود را طی کرد.

حضور کمرنگ جوانان در داستان‌نویسی این دوره (بر خلاف شعر): بیشتر نویسندگان این دوره پیشکسوتان داستان‌نویسی قبل از انقلاب هستند که با تسلط بر زبان‌های خارجی با خواندن ترجمه داستان‌های خارجی ارتباط خود را با پیشرفت‌های جهانی فن داستان‌نویسی حفظ کرده و تجربیات جدید خود را از تحولات سیاسی اجتماعی به صورت داستان درآوردند.

حضور پررنگ داستان کوتاه در نسل جوان انقلاب: نسل جوان هنوز مهارت کافی برای بیان ادبی تجربه‌های خود نداشت. لازمه کسب این مهارت ۱- تأمل در آثار قدما ۲- آشنایی با ادبیات جهان بود. این نسل کار خود را داستان‌های کوتاه شروع کرد و ادامه داد. از این رو «ادبیات

داستانی و نثر پس از انقلاب در شکل فراگیر خود در داستان کوتاه جلوه‌گر شد. اگرچه به تدریج رمان و داستان بلند هم در میان آثارشان مشاهده می‌شود.

رونق فضای نثر و نگارش کشور به دلیل گرایش شدید نویسندگان این نسل به آثار و نوشته‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی فعالیت مجدد کانون نویسندگان ایران: اعضای کانون از همان آغاز دچار کشمکش سیاسی - عقیدتی شدند و در نهایت حزب توده از این کانون جدا شد.

### ایجاد دو جبهه متفاوت از اهل فکر و فرهنگ

۱. نویسندگان مذهبی حامی نظام اسلامی

۲. جناح نویسندگان دگراندیش

دلیل ایجاد جبهه‌های نویسندگان این دوره: شرایط سیاسی و اوضاع جنگ تحمیلی

### نویسندگان پیشکسوت دهه شصت

- محمود دولت آبادی: رمان (روزگار سپری شده مردم سالخورده)

- اسماعیل فصیح: رمان زمستان ۶۲

- احمد محمود: رمان‌های مدار صفر درجه و زمین سوخته

- هوشنگ گلشیری: داستان آینه‌های دردار

### ویژگی‌های نثر فارسی در دهه ۷۰ و پس از آن (پس از جنگ)

اوج شکوفایی رمان‌نویسی در ایران بود که تقریباً در سراسر این دهه تداوم یافت.

نویسندگان مذهبی به ثبت خاطرات حماسه‌های دوران جنگ، عوالم معنوی آن و مفاهیم نوریخش اجتماعی پرداختند.

جناح نویسندگان دگراندیش با دیدی جرئی‌نگر به تضادها و تناقض‌های روحی انسان معاصر پرداختند.

خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی رواج فراوان یافت.

نوشتن نثر ادبی (قطعه ادبی) و ادبیات نمایشی رشد چشمگیری داشت.

### نویسندگان ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی:

- سید مهدی شجاعی

- حبیب احمدزاده

- احمد دهقان

- مصطفی مستور

- محمدرضا سرشار

- علی موذنی

- رضا امیرخانی

## چند تن از نویسندگان دوران انقلاب

| نویسنده        | آثار                                                                                                                                               | شرح حال                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|----------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| محمد رضا سرشار | آثار او در حوزه قصه‌های کودک و نوجوان:<br>۱- آگه بابا بمیره<br>۲- مهاجر کوچک                                                                       | - معروف به «رضا رهگذر»<br>- از نویسندگان مشهور در حوزه نویسندگی برای کودکان و نوجوانان<br>- مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت او:<br>۱- قصه‌نویسی<br>۲- قصه‌گویی<br>۳- تدریس و فعالیت در نشریات تخصصی و مباحث پژوهشی ادبیات کودک و نوجوان<br>۴- فعالیت‌های مطبوعاتی در مجله‌های رشد دانش‌آموز، قلمرو، سوره و پویش |
| علی موذنی      | ۱- ظهور<br>۲- سفر ششم<br>۳- دلاویزتر از سبز<br>۴- ملاقات در شب آفتابی                                                                              | - حوزه فعالیت: داستان کوتاه، داستان بلند، رمان، نمایش-نامه و فیلم‌نامه<br>- در حوزه ادبیات دفاع مقدس رویکردی خاص و عمیق به مسائل دارد.                                                                                                                                                                   |
| سید مهدی شجاعی | فیلم‌نامه: بدوک<br>تجربه‌های داستانی در زمینه ادبیات مذهبی:<br>۱- ضیافت<br>۲- جای پای خون<br>۳- کشتی پهلو گرفته<br>۴- دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز | تحصیل در رشته ادبیات نمایشی (دراماتیک) تحصیل کرده است.<br>حوزه‌های فعالیت:<br>۱- نوشتن در قالب‌های مختلف ادبی<br>۲- همکاری با چند روزنامه و مجله مثل جمهوری اسلامی، رشد جوان، صحیفه<br>۳- نوشتن و چاپ نمایش‌نامه<br>۴- داستان‌نویسی<br>۵- ادبیات کودک و نوجوان<br>۶- قطعه ادبی                           |

## سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی

درس دهم ابتدا «شعر» و «نثر» در دوره معاصر تا قبل از انقلاب را در سطوح زبانی، ادبی و فکری بررسی می‌کند. در مرحله بعد به سراغ سبک-شناسی دوره انقلاب اسلامی می‌رود و شعر و نثر این دوره را نیز در همان سطوح زبانی، ادبی و فکری تشریح و از هر کدام نمونه‌هایی ذکر می‌کند.

یادت باشه! چون دو دوره نزدیک هم هستن و از طرفی هر کدام سطح زبانی، ادبی و فکری دارن طوری حفظ کن که با هم اشتباه نگیری چون از طرف دیگه آگه بتونی ویژگی‌های هر سطح رو با نمونه‌هایی که تو درس و کارگاه تحلیل فصل اول اومده پیدا کنی کیفیت یادگیریت خیلی بالا میره!

## سبک‌شناسی ادبیات معاصر تا قبل از انقلاب

### سبک‌شناسی شعر

| سطح زبانی                                                                                                                                                                                                                 | سطح ادبی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | سطح فکری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- ورود لغات و ترکیبات امروزی و جدید به شعر</li> <li>- باز بودن دست شاعر برای استفاده از همه واژه‌ها</li> <li>- سادگی و روانی زبان شعر و بهره‌گیری از جمله‌بندی‌های ساده</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- ورود آرایه‌های بیانی و بدیعی به صورت طبیعی در شعر</li> <li>- کاربرد فراوان قالب نیمایی و سپید علاوه بر قالب‌های سنتی</li> <li>- مساوی نبودن طول مصراع‌ها و هم‌اندازه بودن مصراع‌ها از نظر تعداد پایه آوایی در اشعار نو</li> <li>- پسندیده بودن ابهام و معنی‌گریزی در شعر</li> <li>- بهره‌گیری از صور خیال (تشبیه، استعاره) و تصاویر جدید و تازه و تکرار نکردن تصاویر شاعران دوره‌های قبل</li> <li>- گرایش زیاد به سبمل و نماد در تصاویر شعر</li> <li>- انتخاب وزن شعر، متناسب با لحن طبیعی گفتار و زبان شعر</li> <li>- دلایل عمده تغییر قالب و واحد شعر، رواج شعر نیمایی و مقبول شدن سنت‌شکنی‌ها در قالب شعر و موسیقی و قافیه، تغییر در قالب‌های شعر مشاهده می‌شود و واحد شعر بیشتر بند است نه بیت.</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- زمینی بودن معشوق: مانند دوره‌های آغازین شعر فارسی</li> <li>- قشر مخاطبان: مردم معمولی و عادی جامعه</li> <li>- سطح تفکر شاعر: زمینی و پیرامون مسائل دنیوی</li> <li>- تنوع موضوعات شعر: موضوع محدود نیست، متنوع است و دست شاعر برای انتخاب موضوع آزاد است.</li> <li>- موضوعات مورد توجه شاعران: خصوصی، سیاسی و اجتماعی</li> <li>- لحن شعر این دوره: صمیمانه و متواضعانه</li> <li>- کم و نادر بودن مدح و ذم و هجو در شعر این دوره</li> </ul> |

### سبک‌شناسی شعر

| سطح زبانی                                                                                                                                                                                                                                                                                             | سطح ادبی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | سطح فکری                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- کاربرد واژه‌های بیگانه:</li> <li>- راه یافتن شماری از واژه‌هایی اروپایی به زبان فارسی</li> <li>- کاهش استفاده از واژه‌های عربی نسبت به گذشته</li> <li>- عامیانه‌نویسی:</li> <li>- ورود بسیاری از واژه‌ها، کنایه و اصطلاحات عامیانه به نثر داستانی</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- نثر فنی و مصنوع در این دوره جایگاهی ندارد.</li> <li>- توصیف پدیده‌ها و شخصیت‌های عینی، کوتاه، بیرونی و مشخص است.</li> <li>- قالب و ساختار داستانی متنوع و گوناگون است.</li> <li>- سفرنامه، خاطره، داستان کوتاه و بلند، نثر تحقیقی و دانشگاهی، رمان، نمایش‌نامه و ...</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تنوع و گوناگونی موضوع‌ها: داستان‌های اقلیمی، شهری، اجتماع‌گونه، کودکانه، زنانه و ...</li> <li>- تنوع در نوشتن انواع رمان‌ها: تاریخی، سیاسی، علمی، فلسفی و ...</li> <li>- حضور محسوس و آشکار اساطیر یونانی، رومی، هندی و عبری در داستان‌نویسی</li> <li>- حضور آشکار و تأثیرگذار مکاتب فلسفی و</li> </ul> |

|                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                          |                                                                   |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|
| <p>تأثیرپذیری نثر داستانی از گفتار و محاوره</p> <p>اقتدار اجتماعی ایران</p> <p>کاربرد فعل‌ها و جملات:</p> <p>فراوانی حذف فعل‌ها</p> <p>به هم ریختگی ساختار نحوی جمله‌ها</p> <p>استفاده فراوان از جملات و فعل‌های کوتاه</p> | <p>مورد توجه نویسندگان معاصر است.</p> <p>در داستان‌نویسی سبک‌های متفاوت وجود دارد: مثلاً بر اساس نام نویسنده، سبک جمال‌زاده، سبک هدایت، سبک آل احمد و سبک دولت‌آبادی</p> | <p>ادبی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ اروپا در ادبیات داستانی مثل رمانتیسیم</p> |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|



### سبک‌شناسی شعر

| سطح فکری                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | سطح ادبی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | سطح زبانی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>اشاعه و ترویج مفاهیم و مضامین اسلامی</p> <p>به ویژه فرهنگ عاشورایی</p> <p>آشکار بودن روح حماسه و عرفان در شعر</p> <p>این دوره در حماسه بعد زمینی غلبه دارد و در عرفان بعد آسمانی. تلفیق این دو را در غزل حماسی انقلاب می‌توان دید.</p> <p>روی آوردن به مضمون‌های انتزاعی (ذهنی)</p> <p>ترویج فرهنگ دفاع مقدس</p> | <p>روی آوردن به قالب‌های سنتی نظیر قصیده و غزل و از رونق افتادن شیوه نیمایی (پیش از انقلاب در دهه ۴۰ و ۵۰ مورد توجه روشنفکران بود)</p> <p>تقلید فراوان شاعران سنتی این دوره از سبک عراقی و خراسانی</p> <p>نزدیک شدن شعر شاعران این دوره به سبک بیدل و صائب تبریزی به خاطر علاقه شدید به خیال‌بندی شاعرانه</p> <p>توجه شاعران به صراحت بیان و پرهیز از تمثیل و نمادگرایی</p> <p>در آغاز این دوره، اگرچه به تدریج با الهام از فرهنگ اسلامی، تمثیل و نماد در ادبیات راه پیدا کرده است.</p> | <p>نزدیک‌تر شدن زبان و لغات شعری قصاید دوره سبک خراسانی</p> <p>بهره‌گیری بیشتر از واژگان متناسب با دین، جبهه و جنگ، شهادت، ایثار و وطن-پرستی (این ویژگی در نثر بعد از انقلاب هم وجود دارد).</p> <p>باستان‌گرایی و علاقه فراوان به استفاده از لغات کهن</p> <p>روی آوردن به آشنایی‌زدایی زبانی و ترکیب‌های جدید و بی‌سابقه به دلیل توجه کردن به مفاهیم انتزاعی (ذهنی)</p> |

فصلنامه